صندوق ذخیره فرهنگیان از نگاه حاجی‌ها

مهدی حاجی برادر بزرگتر مرتضی حاجی که قبل از انقلاب به همراه برادرش آموزشگاهی را اداره می‌کرد و سوابق مدیریتی در بخش صنعت دارد. مدتی است که مسئولیت صندوق ذخیره فرهنگیان را با ۶۱۳ هزار عضو و حدود سیصد میلیارد سرمایه بر عهده گرفته است. این دو برادر در روزهای ۲۷/ ۸۲/۷ و ۸۲/۸/۱۱ مصاحبه‌هایی با روزنامه‌های شرق و جهان اقتصاد داشته‌اند که بخش‌هایی از این دو مصاحبه در اینجا آورده می‌شود.

ابتدا مهدی حاجی در روزنامه شرق

س: اعضا هیئت مدیره و هیئت امنای صندوق چه کسانی هستند؟

ج: آقایان: دکتر یوسف، مهندس آرامی، دکتر صدیقی، آقای مظاهری وزیر اقتصاد، غندالی، ابراهیمی، دکتر رحیم اسماعیلی (قائم مقام ایران خودرو) زرهامی (رییس سازمان حج و زیارت و بنده)

س: آدمهای کثیرالمشاغل، چگونه به کارهای موسسه می‌رسند؟

ج: آقایان غیرموظف هستند، در هیئت مدیره سیاست‌گذاری می‌کنند و مدیرعامل و تیم اجرایی او مجری مصوبات هستند.

س: آیا در موسسه، ارگانی مثل مجمع عمومی پیش‌بینی شده است؟

ج: نه، مجمع عمومی در واقع همان هیئت امناست.

س: یعنی اعضا نظارتی بر کار هیئت مدیره و مدیرعامل ندارند؟

ج: نه، به آن صورت ارگانی ندارند.

س: آیا فهرست شرکت‌هایتان را منتشر می‌کنید؟

ج: نه، نمی‌توانیم، ما رقبایی در بازار بورس داریم که اینها دست ما را می‌خوانند.

س: در قرارداد درصد سود سهم عامل است، به نظر شما زیاد نیست، شما که از صندوق حقوق می‌گیرید.

ج: این یک درصد جهت تزیین ویترین قرارداد است. یک درصد به هیچ یک از عوامل نمی‌رسد.

س: چرا این بند را حذف نمی‌کنید؟

ج: عرض کردم برای تزیین ویترین قرارداد است.

س: برج ۲۹ طبقه متعلق به مقامات است؟

ج: هم مال مقامات است و هم مال معلم هاست.

س: یعنی مال مسئولان وزارتخانه است؟

ج: هرگز! متعلق به صندوق است. البته ۸۰ درصد آن.

س: ۲۰ درصد بقیه؟

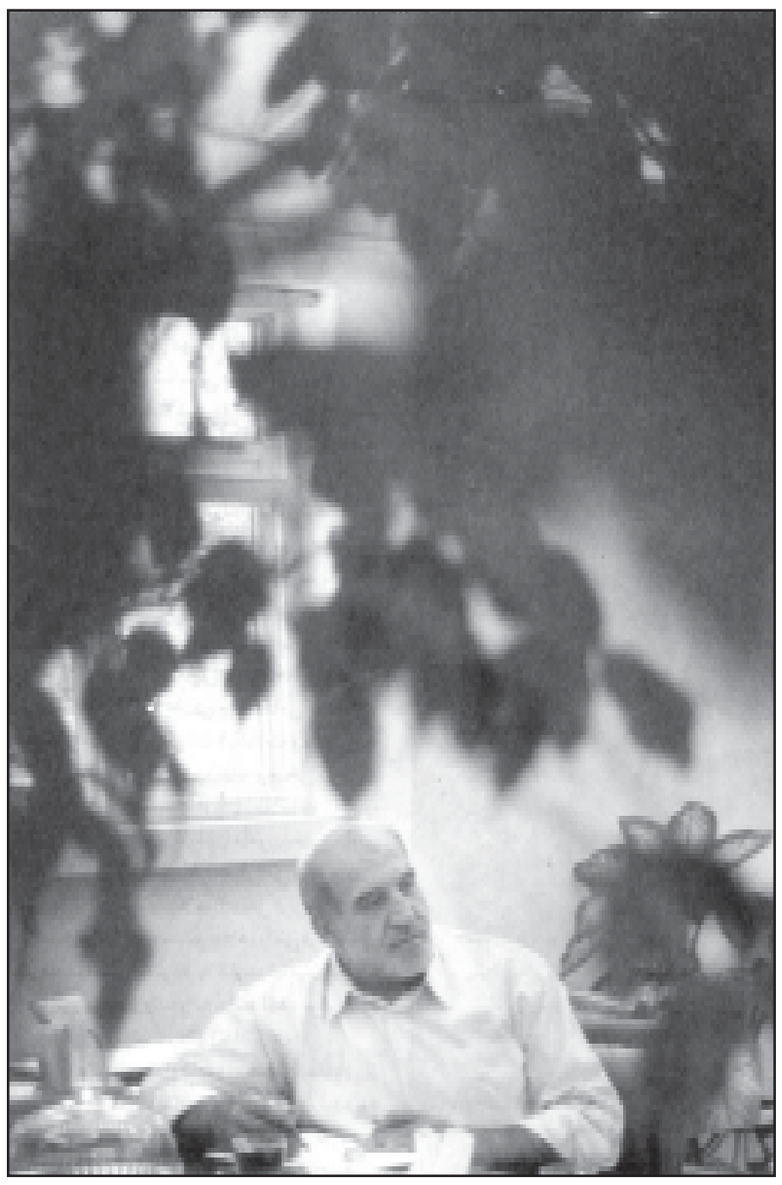

ج: شریک داریم. از بخش خصوصی.

س: آیا وزارتخانه سرمایه عضو صندوق را تضمین می‌کند؟

ج: نه خیر، نمی‌کند.

س: یعنی اگر اتفاقی در صندوق بیفتد، اعضا می‌توانند بروند یقه وزیر را بگیرند؟

ج: از نظر حقوقی خیر، وزیر از نظر پاسخگویی و اطلاع رسانی مسئولیت دارد. تبعات ناشی از عملکرد سیستم، گریبان وزیر را نمی‌گیرد.

س: آیا شما فرهنگی هستید، یا بوده‌اید؟

ج: فرهنگی دولتی نه! تدریس دبیرستان کرده‌ام، آموزشگاه هم داشتیم با اخوی، اجاره کرده بودیم.

س: آیا انتخاب شما برای مدیریت صندوقی که بیش از یک میلیون و دویست هزار چشم به آن دوخته شده است براساس شایسته‌سالاری بوده یا به خاطر اعتماد به برادر؟

ج: هر کس انتخاب کرده، بروید از خودش بپرسید.

مصاحبه دوم با مرتضی حاجی و توسط روزنامه جهان اقتصاد

س: حرف و حدیث زیادی پشت سر صندوق وجود دارد نظر شما چیست؟

ج: صندوق اولا بنگاه خیلی بزرگی نیست. با همه سرمایه صندوق یک کارخانه مثل ایرالکو اراک را هم نمی‌شود خرید. پس خیلی تصور نشود که صندوق ذخیره فرهنگیان یک بنگاه غول پیکری است. نیست، یک بنگاه معمولی است.

س: صندوق ذخیره تا چه حد توانسته است اعتماد معلمان را جلب کند؟

ج: روند رو به رشدی که اعضای صندوق داشته، نشان می‌دهد که حرف و حدیث در صندوق وجود ندارد و این صندوق توانسته است اعتماد معلمان را جلب کند.

س: آیا مورد مخفی درباره صندوق ذخیره فرهنگیان وجود دارد؟

ج: هیچ موضوع مخفی وجود ندارد. برخی مواقع پیشنهاداتی در مورد صندوق داده می‌شود مثل اینکه اساسنامه تغییر کند. مثلا پیشنهاد می‌کنند که هر استانی یک صندوق داشته باشد یا پیشنهاد می‌کنند که از نظر وضعیت هیئت امنا و مجمع عمومی صندوق ترتیبی داده شود که خود اعضا برگزارکننده مجمع عمومی باشند و تصمیم‌گیر. این موارد، پیشنهاداتی است که درباره آن در حال مطالعه هستیم.

ساختار آموزشی فرانسه

ساختار نظام آموزشی فرانسه بر مبنای دو محور اصلی (پایداری) و (پویایی) بررسی می‌گردد. در محور پایداری، سیاست‌های آموزشی و قوانین مصوب در جهت دست‌یابی به وضعیت مطلوب آموزشی (پنداره نظام) و در محور پویایی، نوسامانی ساختارها و استقرار زیرساختها، اهداف و عملکرد وضعیت موجود نظام آموزشی کشور مورد توجه قرار گرفته است. محور پایداری بر مفهوم تداوم در حفظ ارزش‌های سه‌گانه جمهوری (برابری، برادری و آزادی) تأکید دارد.

در این محور، تلاش‌های متفکران و مسوولان کشور ظرف مدت بیش از دو قرن پس از انقلاب فرانسه (۱۹۹۵-۱۷۸۹) در قالب سیاست‌های عمده آموزشی عرضه گردیده است.محور پویایی و نوآوری نیز که به معنای تکاپوی وضعیت موجود نظام آموزشی (سیاست‌ها، اهداف، ساختار، کادر و عملکرد آموزشی) است، درجهت پاسخگویی به نیازهای جامعه در حال تحول و دست‌یابی به وضعیت مطلوب آموزشی عنوان گردیده است.به طورکلی می‌توان گفت که نظام آموزشی فرانسه، محصول برهه خاص زمانی است که با پایداری و پویایی از آغاز انقلاب ملی طی سال ۱۷۸۹تاکنون همچنان ادامه داشته است.

گفتنی است که برهه زمانی فوق نیز خود به سه دوره به شرح ذیل قابل تقسیم می‌باشد:

- دوره اول (طی سال‌های۱۸۷۹-۱۷۸۹): تلاش در جهت نیل به آموزش ابتدایی برای کلیه کودکان واجب‌التعلیم.
- دوره دوم (طی سال‌های ۱۹۷۵-۱۸۸۰): تلاش در جهت تحقق آموزش پایه و رایگان تا پایان دوره کالج (رده سنی۱۶ سال) برای کلیه رده‌های سنی
- دوره سوم (طی سال‌های۲۰۰۳- ۱۹۷۵): تحقق برنامه‌های آموزش پایه و رایگان تا پایان مقطع متوسطه برای۹۰ درصد از دانش‌آموزان رده‌های سنی ذی‌ربط و فراهم‌سازی امکان برخورداری از آموزش عالی و کارآموزی حرفه‌ای مداوم و جای‌دهی شغلی برای کلیه متقاضیان فرصت شغلی

مقاطع آموزش پیش دبستانی، آموزش ابتدایی و کالجهای دانشگاهی۳ مقطع اصلی آموزشی کشور فرانسه راتشکیل می‌دهند.اکثریت شهروندان فرانسوی درمراکز آموزش متوسطه حضور یافته،دیپلم متوسطه دریافت نموده و برخی دیگر نیز به آموزش فنی و حرفه ای روی می‌آورند.

بالغ بر۱۳میلیون دانش آموز در مدارس کشور فرانسه به تحصیل مبادرت می‌نمایند. نظام آموزشی کشور یکپارچه بوده واین در حالی است که ساختار حال حاضر آن در خلال دهه های۶۰ و۷۰ دستخوش تغییرات تدریجی گردیده است که از جمله این تغییرات می‌توان به تفکیک مقاطع آموزش ابتدایی ومتوسطه از یکدیگر اشاره نمود.از دهه۷۰ کشور فرانسه از افزایش قابل توجهی در توسعه ورشد نظام آموزش پیش دبستانی برخوردار گردیده است.در این اثنا، با توجه به تغییرات آموزشی کشور، امکان حضورکلیه کودکان گروه سنی ۵-۳ سال در کلاسهای پیش دبستانی فراهم گردید. از سال ۱۹۶۷، سن حضور دانش‌آموزان در مدارس مقطع آموزش پایه بین رده‌های سنی ۱۶-۶ سال تعیین گردیده‌است. کشور فرانسه با برخورداری از تعداد۶۰هزار مدرسه ابتدایی، به فراهم سازی تسهیلات آموزشی لازم برای دانش آموزان ، در خلال ۵ سال اول آموزش رسمی‌مبادرت نموده‌است. در۳ سال اول آموزش رسمی، آموزش پایه در حوزه مهارتهای پایه (ابتدایی) ارائه گردیده ودر دو سال باقی مانده دانش آموزان، آموزش‌های لازم را فراگرفته ومدارس ابتدایی را پشت سر می‌گذارند.مقطع آموزش متوسطه نیز خود به دو مرحله متوالی تقسیم می‌گردد که به نام سیکل یا دوره نامگذاری شده است. تقریباً کلیه کودکان رده‌های سنی۱۱ تا ۱۵ سال در کالج ها حضور می‌یابند. از سال ۱۹۷۵تنها تعداد یک کالج جهت آموزش توانائی‌های مختلط اجتماعی به کلیه دانش آموزان صرفنظر از سطح پیشرف تحصیلی آنان وجود داشته است.پس از گذراندن دوره۳ آموزش دانش آموزان به کالج های عمومی، فنی ویا فنی حرفه ای راه یافته که آنها را برای آزمونهای مکاتبه ای کارشناسی یا مهندسی آماده می‌نماید. درمقطع مذکور از دانش آموزان رده سنی۱۸ سال ثبت نام بعمل می آید.تصمیم گیریهای آموزشی درخصوص دروس تجدیدی، تعیین کلاس‌های بالاترآموزشی،تغییر رشته تحصیلی با روند گفتگوی میان مدارس (معلمان،کادر اجرائی وپرسنل دستیار)، اولیاء و نمایندگی‌های دانش آموزی صورت می‌گیرد. اگرچه معلمان به ابراز نظرات خود در شوراهای آموزشی مرکب از نمایندگان دانش آموزی ،معلمان ووالدین- مبادرت می‌نمایند،با این وجود والدین از حق تقاضای ورود دانش آموزان به مقاطع بالاتر آموزشی و یا تقاضای تکرار سال تحصیلی گذشته برخوردار می‌باشند. درکلیه مدارس کشور،مشاوران متخصصی در جهت ارائه خدمات مشاوره به دانش آموزان،والدین ومعلمان در راستای برطرف سازی مشکلات آموزشی پیش روی دانش آموزان،در نظر گرفته شده است .در حال حاضر فرم۳ (سال آخر کالج) نقطه آغازین آموزش کالج می‌باشد که طی آن دانش آموزان در خصوص برخی از موضوعات مورد علاقه خود به مطالعه پرداخته و به تعیین رشته تحصیلی مبادرت می‌نمایند.

اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان کشور فرانسه در مدارس تحت نظارت وزارت آموزش ملی آموزش می‌بینند. با این وجود درحدود ۱۰۰ هزار دانش آموزان مواجه با معلولیتهای مختلف جسمانی، در مدارس استثنایی و تحت حمایت وزارت بهداشت و بالغ بر۲۰۰ هزار دانش آموز در کالج‌های کشاورزی به تحصیل مبادرت می‌نمایند. در مجموع بالغ بر۳۰۰ هزار دانش آموز رده سنی بالای۱۶ سال تحت دوره‌های کار آموزی- قرار گرفته اند.

همگام با نظام آموزشی عادی کشور، کلاسهای تخصصی تطبیق یافته در نظر گرفته شده است که نقطه مشترک و اتکاء آنها مدارس ابتدایی ومتوسطه می‌باشد. برخی از برنامه‌های آموزشی من جمله برنامه آموزشی (CLIS) نیز به عنوان پلی در جهت باز گرداندن دانش آموزان به نظام آموزشی و برنامه آموزشیSEGPA)به منظور ارائه آموزش‌های فنی وحرفه ای عمومی به کودکان ونوجوانانی که بنا به علل روانشناختی،عاطفی یا رفتاری با مشکلاتی در حوزه آموزش مواجه می‌باشند، ارائه می‌گردد.همچنین برنامه‌های آموزشی مشابه برنامه‌های فوق، در مدارس خاص در نظر گرفته شده است،که از آن جمله می‌توان به مدارس تحت پشتیبانی ونظارت وزارت بهداشت اشاره نمود. هدف ارائه برنامه‌های آموزشی فوق ارتقاء توانایی‌های با القوه دانش آموزان می‌باشد. مدارس تحت نظارت وزارت آموزش ملی ممکن است عمومی‌یا خصوصی باشند. گفتنی است که مدارس خصوصی بالغ بر ۱۵٪ از دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی و۲۰ ٪ از دانش آموزان مدارس مقدماتی متوسطه را تحت پوشش قرار داده اند. اکثریت مدارس خصوصی کشور در زمره مدارس کاتولیک بوده و با دولت قرارداد آموزشی منعقد می نمایند.

کلیه حقوق این پایگاه متعلق به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد. شرایط استفاده

ارتباط با مدیر پایگاه :

webmasteriranculture.org

بودجه آموزشی

دولت فرانسه مسئولیت تأمین حقوق کادر آموزشی، نظارت آموزشی وهزینه‌های آموزشی کشور را بر عهده دارد. این درحالی است که، مقامات محلی نیز مسئولیت تأمین هزینه‌های احداث مراکز آموزشی و نظارت برعملکرد نظام آموزشی دولتی را عهده دارمی‌باشند. مناطق مختلف آموزشی بر موسسات آموزش کاردانی، موسسات محلی بر آموزش تخصصی، دپارتمانها برکالجها و بخشها نیز بر تأمین نیازمندیهای مالی مدارس متوسطه نظارت می‌نمایند.هزینه دوره‌های کار آموزی وفنی حرفه ای نیز توسط دولت وشورای عمومی‌تامین می گردد.

نهادهای تأمین کننده بودجه مقطع آموزش متوسطه

به موازات افزایش سنوات تحصیلی پایه (اجباری) در نظام آموزش فرانسه، تلاشهای عمده ای در جهت رایگان سازی امکانات آموزشی صورت گرفته است.بودجه مدارس متوسطه کشور فرانسه، از یک سو، از سهم دولت و جوامع محلی از اخذ انواع مالیات و از سوی دیگر، از محل هدایا، شهریه تحصیلی مراکز آموزش شبانه روزی و نیم روزی، به فروش تولیدات کارگاهی و مالیات های حاصل از قراردادهای کارآموزی حرفه ای تأمین می گردد.نکته حایز اهمیت در تأمین بودجه آموزشهای حرفه ای و تکنولوژیک، مشارکت کارفرمایان درجهت پرداخت مالیات کارآموزی(Tax Dapprentissaele) می باشد.از جمله مهم ترین منابع تأمین کننده بودجه آموزش متوسطه میتوان به دولت مرکزی، مناطق محلی و جوامع محلی اشاره نمود.

گفتنی است که بیشترین سهم تأمین بودجه به دولت مرکزی (بالغ بر۸۰- ۷۵درصد) و جوامع محلی (۱۵-۱۰ درصد) و کمترین سهم به مناطق محلی (۱۰-۵ درصد) تعلق دارد.

شهریه آموزشی

هرساله، وزارت آموزش عالی به تعیین شهریه موسسات عمومی‌آموزش عالی مبادرت می‌نماید.کلیه دانشجویان واجد شرایط دریافت کمک ها مالی بوده وکمک هزینه ها بر مبنای وضعیت اجتماعی، وضوابط دانشگاه به صورت وام‌های بدون بهره در اقساط۱۰ ساله به دانشجویان اعطاء می گردد.

هزینه زندگ دانشجویان خارجی

هزینه سرانه زندگ درکشور فرانسه برای دانشجویان مقاطع مختلف آموزشی بر۵۰۰ یورو در ماه بالغ میگردد.گفتنی است که دانشجویان ازمجوز فعالیت در بازارکار توام با تحصیل به میزان۲۰ ساعت در هفته برخوردار می‌باشند.

الو قلم معلم

تشکل‌های صنفی معلمان مانند سوپاپ عمل می‌کنند و جز اینکه ترمز حرکت معلمان باشند کار دیگری انجام نمی‌دهند.

لطفا تحقیق کنید که بر سرنامه‌هایی که برای هیئت پی‌گیری مطالبات فرستاده شده چه بلایی آمده است؟

آنچه تحت عنوان انتخابات مدیران به خورد معلمان داده‌اند همان انتصابات است.

از سال ۷۴ تاکنون حق مناطق محروم معلمان استان گیلان پرداخت نشده است، چه کسی پاسخگو است؟

به معلمان بگویید در انتخابات شرکت نکنند و یا لااقل مسوولیت اجرایی برگزاری انتخابات را بر عهده نگیرند.

چرا در وزارت آموزش و پرورش کسی حذف نمی‌شود و افراد فقط جابجا می‌شوند؟

معلمان بازنشسته بعد از ۳۰ سال خدمت، نزد خانواده خود شرمنده‌اند لطفا این را بنویسید.

چرا پاداش پایان خدمت بازنشستگان پرداخت نمی‌شود؟

لطفا در رابطه با شورای هماهنگی تشکل‌ها بیشتر توضیح دهید.

شما نمی‌خواهید ۱۳ مهر را به جای ۱۲ اردیبهشت به نام روز معلم جا بیندازید اما کور خوانده‌اید! مگر می‌توان شهید مطهری را کمرنگ کرد؟

بعد از شنیدن دفاعیات آقای حاجی در جریان اسیتضاح فهمیدم که ما معلمان چه زندگی خوبی داشتیم و خودمان خبر نداشتیم.

چرا تشکل‌های صنفی با هم متحد نمی‌شوند. کاش ما هم مثل کارگران یک تشکل قوی داشتیم.

به همکارانی که در روز ۱۳ مهر در تجمع حاضر نشدند بگویید که دیگر در زنگهای تفریح بی‌جهت اعتراض نکنند و از نارسایی‌ها انتقاد نکنند.

نامه وارده

بدون سلام

وقتی در دکه روزنامه فروشی چشمم به نام قلم معلم افتاد ناخودآگاه به طرف آن جذب شدم اما کمی که دقت کردم بوی گند حزب مشارکت به مشامم رسید و فهمیدم که آقایان مشارکتی بعد از اینکه دانشجویان را به صورت گوشت قربانی استفاده کردند به قول خودشان استفاده ابزاری حالا نوبت به معلمین بیچاره رسیده است که برای اهداف جناحی آقایان گوشت قربانی شود و کتک بخورد و هزینه بپردازد و پولهای دریافتی از آمریکا و استفاده تبلیغاتی نصیب آقایان و خانم‌های مشارکتی شود. از آن ۱۳ مهر تیتر زدنتان معلوم است چه خوابی برای معلمین دیده‌اید. وقتی سری به صفحات داخلی روزنامه یا هفته‌نامه می‌اندازیم دستتان بیشتر رو می‌شود که شما طرفداری آقای حاجی هستید نه معلمین و آن اشک تمساح ریختنتان برای مشکلات معلمین چیزی جز جلب توجه و ایجاد اغتشاش و آشوب نیست.

آقایان هر روز یک بحران تازه از آستین بیرون می‌آورند حالا رسیده به معلمین آن هم در روز جهانی معلم. مثل اینکه شما طرفدار جهانی شدن هستید مگر نمی‌بینید که در آمریکا و اروپا هر روز علیه جهانی شدن راهپیمایی می‌شود آنوقت شما می‌دوید که همه چیز را جهانی کنید تجارت جهانی کنوانسیون رفع تبعیض جهانی روز معلم جهانی روزکارگر جهانی خلاصه از هرچه جهانی است خوشتان می‌آید. پس بدانید که معلمین همان روز شهادت استاد مطهری را روز معلم می‌دانند و با طناب پوسیده حزب مشارکت به چاه نخواهند رفت و فریب این داد و قال توخالی را نخواهند خورد. گرچه معلمین واقعا مشکلاتی دارند و واقعا هم کارد به استخوانشان رسیده است ولی آنقدر هم فهمیده هستند که دست جاسوس‌های آمریکا و اسرائیل را بخوانند. ببخشید که خر خودتان هستید.

امضاء محفوظ

هفته نامه قلم معلم
اجتماعی، سیاسی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
محمد خاکساری
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

نشانی:تهران میدان سپاه، خیابان سپاه - کوچه زیبا - کوچه نوید قربانی- بن بست صفا - پلاک ۵ - همکف غربی

کدپستی:۱۶۱۹۹۸۵۷۱۳
تلفن و دورنگار: ۷۶۳۰۴۲۴

صندوق پستی: ۳۵۴۳/ ۱۹۳۹۵
سازمان آگهی ها:۰۹۱۱۲۰۹۰۲۹۳
صفحه‌آرایی: شرکت فراسونگران امروز
تلفن:۸۳۰۰۲۲۶-۸۳۱۳۳۲۳
چاپ: اسپند هنر
تلفن:۶۷۳۷۳۳۲

اخبار آموزش و پرورش

دبیر کل تشکل صنفی فرهنگیان:

تحصن نمایندگان تشکل های صنفی در روز ۱۷ آبان مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی قطعی است

تهران- خبرگزاری کار ایران

دبیرکل تشکل صنفی فرهنگیان ایران، تحصن نمایندگان تشکل های صنفی را در روز ۱۷ آبان مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی قطعی دانست.

محمود بهشتی لنگرودی، دبیر کل تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، در گفت و گو با خبرنگار سرویس اجتماعی ایلنا، گفت: این تحصن طبق مصوبه همایش پنجم کانون های صنفی معلمان سراسر کشور، با حضور حدود ۳۰ نفر به نمایندگی از ۱۰ استان برگزار خواهد شد.

بهشتی لنگردوی تصریح کرد: در پایان این تحصن با صدور قطعنامه ای، دستاورد تجمعات اخیر و برنامه های آینده تشکل صنفی به اطلاع فرهنگیان خواهد رسید.

دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران با اشاره به وعده های داده شده، درخصوص پاسخ به مطالبات فرهنگیان گفت: سازمان مدیریت و برنامه ریزی براساس دستور صریح ریاست جمهوری موظف شده است تا تاریخ ۱۵ آبان ماه طرح نظام هماهنگی پرداخت ها را به هیأت وزیران تقدیم کند.

بهشتی هدف از این طرح را رفع تبعیض بین دریافتی های فرهنگیان با سایر کارکنان دولت دانست.

وی افزود: نوع تصمیم گیری مدیران سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تأثیر بسزایی در تصمیم های بعدی معلمان و تشکل های صنفی خواهد داشت.

دبیرکل کانون صنفی فرهنگیان در پایان گفت: به نظر می رسد که فعالیت های چند ساله معلمان و نمایندگانشان در تشکل های صنفی مستقل به مراحل امیدوار کننده، حساس و سرنوشت سازی نزدیک شده است.

وزیر آموزش و پرورش: ساخت هر مدرسه معادل تعطیلی یک زندان است

خبرگزاری دانشجویان ایران – مشهد
سرویس اجتماعی – آموزش و پرورش

وزیر آموزش و پرورش مشارکت مشتاقانه و بی توقع مردم در توسعه و احداث فضاهای آموزشی را ستود و تصریح کرد: مشارکت مردم در توسعه فضاهای آموزشی تجسم عینی مشارکت مردم برای تحقق مردم‌سالاری در کشور است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، مرتضی حاجی در ششمین همایش "تکریم از خیرین مدرسه ساز کشور" در مشهد افزود: اصلاح رفتار اجتماعی افراد بدون وجود فضاهای آموزشی مناسب امکان پذیر نیست و ساخت هر مدرسه، معادل تعطیلی یک زندان است.

حاجی گفت: دولت بدون مشارکت خیرین قادر به تامین نیازهای آموزش و پرورش و فضاهای آموزشی نیست.

رییس کمیته‌ی پیگیری مطالبات فرهنگیان در خانه ملت:

لایحه‌ی نظام هماهنگ پرداخت فرهنگیان تا ۱۵ آبان‌ماه به مجلس ارائه می‌شود

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران
سرویس مجلس شورای اسلامی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید میزان هزینه‌ی آموزش و پرورش را بر اساس نظام هماهنگ پرداخت از اول سال اعلام کند.

حمیدرضا حاجی‌بابایی نماینده‌ی مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) با بیان این مطلب اظهار داشت: با پیگیری‌های انجام شده توسط هیات مشترک دولت و مجلس، هیات دولت، سازمان و مدیریت و برنامه‌ریزی را موظف کرده که تا ۱۵ آبان‌ماه جاری لایحه‌ی نظام هماهنگ پرداخت فرهنگیان را به دولت ارائه کند، تا دولت با تصویب، آن را به مجلس بفرستد.

وی تاکید کرد: از سوی دیگر نمایندگان مجلس یک طرح دو فوریتی نظام هماهنگ پرداخت را آماده کرده بودند تا اوایل مهرماه به مجلس ارائه کنند، اما به دلیل این اقدام دولت مطرح کردن این طرح دو فوریتی را متوقف کردیم و تا ۱۵ آبان‌ماه صبر می‌کنیم.

رییس کمیته‌ی پیگیری مطالبات فرهنگیان در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در صورت ارائه‌ی این لایحه، در مجلس به آن فوریت خواهیم داد تا سریع مصوب شود، و در صورتی که چنین لایحه‌ای از سوی دولت ارائه نشود، طرح دو فوریتی را ۱۵ یا ۱۶ آبان‌ماه تقدیم مجلس خواهیم کرد.

نماینده‌ی مردم همدان در خصوص مطالبات فرهنگیان تاکید کرد: مجلس موضوع فرهنگیان را از دو بعد پیگیری می‌کند که یکی بحث معوقه‌هاست، یعنی آنچه دولت به فرهنگیان بدهکار است، و دیگری بحث مطالبات فرهنگیان است که در نظام هماهنگ پرداخت از دولت طلب می‌کنند.

وی افزود: فرهنگیان معتقدند نظام هماهنگ حقوق که مجلس تصویب کرده نتوانسته پاسخگوی عادلانه‌ی پرداخت حقوق در کشور باشد.

حاجی‌بابایی در خصوص پرداخت معوقه‌ی فرهنگیان بیان داشت: با توجه به بودجه‌بندی که در طول سال انجام می‌گیرد و در مجلس مصوب می‌شود، کسری بودجه آموزش و پرورش از دو ناحیه‌ی درون سازمانی و برون‌سازمانی است.

به گفته‌ی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نظام پرداخت در داخل آموزش و پرورش عادلانه نیست، زیرا در این وزارت‌خانه دریافتی برخی افراد میلیونی است و کسانی نیز وجود دارند که دریافتی آنها حدود ۷۰ هزار تومان است که ۳۰ درصد کارکنان آموزش و پرورش چنین وضعیتی دارند.

وی تصریح کرد: مقداری از کسری بودجه در آموزش و پرورش به دلیل عدم برنامه‌ریزی دقیق و توجه به آموزش و پرورش در نظام بودجه‌ریزی کشور است، زیرا عده‌ای معتقدند وزارت آموزش و پرورش یک وزارت‌خانه مصرفی است و بیشتر اعتبارات آن جاری است؛ لذا سعی می‌کنند هر سال اعتبار عملکردی وزارت آموزش و پرورش را به طور کامل در اختیار وی قرار ندهد، و این مساله تبدیل به یک مشکل عمده شده است.

نماینده‌ی مردم همدان در مجلس شورای اسلامی معتقد است: دولت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید مطابق با نیاز واقعی آموزش و پرورش و بر اساس نظام هماهنگ پرداخت، میزان هزینه‌ی آموزش و پرورش را اول سال اعلام کنند، و این مساله موجب می‌شود که هر ساله به کسری بودجه این وزارت‌خانه افزوده نشود.

وی افزود: برای رفع مشکل اعتبارات باید به عدالت در درون سازمان و بیرون سازمان توجه ویژه‌ای اعمال شود.

حاجی‌بابایی در خصوص اقدامات مجلس برای طرح مطالبات فرهنگیان تاکید کرد: بارها جلساتی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار کرده‌ایم و در این جلسات به نتایجی رسیده‌ایم و قرار شد که تا اول مهرماه پرداخت شود که این گونه نشد.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید از محل سرجمع پرداختی‌ها و اعتبارات جاری کشور مشکل وزارت آموزش و پرورش را حل کنند، و یا ۴۷۰ میلیارد تومان مطالبات معوقه‌ی فرهنگیان را بین تمام وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی تقسیم و از بودجه‌ی جاری سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های دولتی سراسر کشور کسر کنند.

نماینده‌ی مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: این که یک وزارت‌خانه صد در صد بودجه‌ی خود را دریافت کند و وزارت‌خانه‌ای مانند آموزش و پرورش ۴۷۰ میلیارد تومان بدهی داشته باشد، با عدالت اجتماعی و مسوولیتی که مجلس و دولت بر عهده دارند، سازگار نیست.

ساختار و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش متحول می‌شود

معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش از پرداخت کلیه مطالبات فرهنگیان تا پایان سال خبر داد

معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش گفت: بر اساس سیاست کلان کوچک سازی بدنه دولت، ساختار و تشکیلات آموزش و پرورشی نیز با کار کارشناسی تا ماه آینده متحول می‌شود.

شهاب‌الدین غندالی در گفت‌وگو با خبرنگار "آموزش و پرورش" خبرگزاری دانشجویان ایران افزود: آموزش و پرورش دارای یک هزار و اداره است که بر اساس نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این رقم باید به اداره کاهش یابد.

وی افزود: البته هنوز این مساله تصویب نشده و در حال حاضر مراحل کارشناسی را طی می‌کند.

به گفته‌ی وی، همچنین پیشنهاد شده معاونت وزارت آموزش و پرورش به معاونت کاهش یابد.

معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش افزود: رای و نظرات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین مطالعات و بررسیهای وزارت آموزش و پرورش به شورای تحول اداره سازمان مدیریت ارایه میشود و در نهایت با نظر این شورا ساختار این نهاد تغییر خواهد کرد.

غندالی درباره کاهش نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش گفت: کاهش نیروی انسانی منوط به کوچک شدن بدنه آموزش و پرورش است که در این صورت بطور یقین نیروی انسانی مازاد به بخش آموزشی منتقل می‌شود.

وی همچنین با اشاره به مصوبه اخیر دولت در زمینه بودجه آموزش و پرورش گفت: بودجه سال آینده این نهاد با توجه به عملکرد سال گذشته بسته می‌شود و همچنین دولت موظف شده کسریها و معوقه‌ها کارکنان آموزش و پرورش را تا پایان سال تامین کند.

معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش همچنین در خصوص پرداخت مطالبات فرهنگیان تصریح کرد: حدود میلیارد تومان از این مطالبات از بودجه سال دولت تامین شده و منابع باقیمانده (میلیارد تومان) تعریف نشده که به محض تعریف منابع این مطالبات پرداخت می‌شود.

وی یادآور شد: کلیه مطالبات معوقه فرهنگیان تا پایان سال پرداخت خواهد شد.

غندالی به افزایش تعهدات بیمه اشاره کرد و گفت: مشارکت در سود بیمه امسال درصد افزایش یافت که بر اساس آن هزینه درمانی معلمان که بالای / میلیون تومان باشد از محل سود مشارکت پرداخت می‌شود.

وزیر آموزش و پرورش:

قانون ماده ۸۸ در خصوصی سازی مدارس نیاز به اصلاح دارد

وزیر آموزش و پرورش ضمن تکذیب خبر واگذاری نیمی از مدارس به بخش خصوصی که توسط معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی مطرح شده بود گفت : بر اساس ماده ۸۸ نمی توان مدارس را به بخش خصوصی واگذار کرد.

به گزارش خبرنگاراجتماعی خبرگزاری مهرمرتضی حاجی در گردهمایی مدیران مشارکت های مردمی سازمان آموزش و پرورش گفت: عسگری آزاد درباره واگذاری نیمی از مدارس به بخش خصوصی فقط نظر شخصیش را مطرح کرده و این نظر دولت نیست.

وی افزود: آموزش و پرورش اصل ۸۸ قانون را قبول دارد ولی برای اجرای این اصل در این وزارتخانه باید اصلاحاتی صورت بپذیرد که این اصلاحیه ارسال شده و امیدواریم سریع تر به نتیجه برسد.

حاجی همچنین درباره مشارکت در تعلیم و تربیت گفت: در وزارت آموزش و پرورش مشارکت یک اصل خدشه ناپذیر است و این مشارکت ابعاد مختلفی دارد ، یک بعد آن مربوط به فرایند تعلیم و تربیت است و بعد دیگر اقتصادی است.

وی افزود: برای تحقق اهداف آموزش و پرورش گریزی ازمشارکت نیست. آموزش و پرورش این امر را دنبال می کند به گونه ای که حتی برای تولید منابع درسی از مشارکت مولفان استفاده کند و به جای یک تالیفی بودن کتاب های درسی از نظرات و کارشناسی های چند مولف استفاده کند.

حاجی ادامه داد: شعارهایی مثل مجانی بودن آموزش و پرورش خوب است اما ظرف سال های گذشته همه به این باور رسیده اند که اگر قرار باشد جامعه روند رشد مناسبی را ادامه دهد نمی تواند از برداشت سرمایه ملی بدون توجه به نسل آینده و فروش تبدیل آن به ریال زندگی امروز را بگذراند و آینده را به خود واگذار نماید.

وی همچنین تاکید کرد: در حوزه آموزش و پرورش نیاز به آموزش و پرورش بهتری داریم و کسی تردید ندارد که برای بهتر شدن آموزش و پرورش باید از منابع اقتصادی دیگر استفاده شود ، هنوز نتوانسته ایم صد درصد بچه های کشوررا در مدارس ثبت نام کنیم و هنوز بیست در صد در بچه ها در مقطع ابتدایی و راهنمایی از آموزش محرومند.

وزیر آموزش و پرورش ادامه داد: اگر قرار باشد صد در صد بچه های ما بتوانند حداقل تا پایان دوره متوسطه درس بخوانند به هزینه ای برابر با یک و نیم برابر هزینه امروز نیازمندیم. حالا اگر بخواهیم کیفیت را هم تغییر بدهیم حداقل باید بودجه آموزش و پرورش سه برابر شود و این با توجه به نظام استفاده از بودجه دولتی محال است .

حاجی ضمن تاکید مجدد بر این مورد که ما ناگزیر به مشارکت اقتصادی مردم هستیم گفت: اگر مشارکت نباشد دولت از پس مجموعه آموزش و پرورش بر نمی آید. از این پس سرانه مالی مداری یک جا با اختیارات در اختیار مدیر مدرسه قرار می گیرد تا او با توجه به هزینه ای که دارد به امور مدرسه بپردازد.

وی افزود: مدارس غیر انتفاعی از ارکان تحقق مشارکت در آموزش و پرورش هستند. مشارکت باید تشویق شود واین تشویق نباید فقط توسط مدیران مدارس غیر انتفاعی صورت بپذیرد بلکه مراکز دیگر نیز می توانند درباره این مدارس تبلیغ کنند مثلا مدیران مدارس دولتی از مدارس غیر انتفاعی تعریف کنند .

حاجی افزود: تا کنون مدارس غیر انتفاعی کارنامه کلی خوبی داشته است، می گویند گران می گیرند ، اگر گران می گیرند حتما کالای خوبی ارایه می دهند و این کالا ارزش آن قیمت را دارد. وقتی در ایام ثبت نام فلان وکیل و مسئول به من وزیر مراجعه می کند که کاری کن فرزند من در این مدرسه غیر انتفاعی ثبت نام شود به خصوص وقتی که مدارس دولتی هست نشانگر این است که این مدارس کارایی خوبی دارند.

وی ادامه داد: هر استانی برای سال آینده باید سعی کند یک گروه آموزشی داشته باشد ، اگر مدارس به گروههای آموزشی واگذار شود خیلی بهتر از معلم حق التدریسی است که تمام دریافتی ماهانه اش خرج هزینه رفت و آمدش می شود. قطعا در چنین شرایطی کار مفید تر خواهد شد.

وزیر ادامه داد: مدارس نوبت دوم بازدهی خوبی ندارند ، در محله هایی که ظرفیت مدارس غیر انتفاعی خالی است هیچ سازمان و اداره ای نباید مدرسه بسازد و باید دانش آموزان شیفت دوم به مدارس غیر انتفاعی با پرداخت سرانه منتقل شوند.

همچنین محمود ابراهیمی نیز دراین گردهمایی گفت: منظور از مشارکت کسب در آمد نیست، آموزش و پرورش شدیدا نیازمند مشارکت است.

وی افزود: ماده ۸۸ یکی از قوانین بسیار موثر و خوبی خواهد بود که از نظر مدیریتی درتحقق اهداف امور تربیتی اثرگذار است. متاسفانه سال گذشته وقتی این طرح مطرح شد عده ای یک مقدارنسبت به این طرح بی مهری کردند ولی امسال به اطلاع می رسانم که دستورالعمل اجرایی این طرح در شهریور ماه سال جاری ابلاغ شده است.

ابراهیمی ادامه داد: برخی از موسسین بر این باورند که این طرح به مدارس غیر انتفاعی لطمه خواهد زد در حالی که به هیچ وجه اینطور نیست و نه تنها هیچ ضربه ای نمی زند بلکه باعث تقویت این مدارس نیز می شود.

وی افزود: یکی از مهم ترین مسایلی که باعث پیشرفت مدارس خواهد شد دادن اختیارات مالی و استخدامی به مدیران مدارس است. زمینه حضور همه مدیران در این طرح فراهم شده و مدرسه به گونه ای اداره می شود که قطعا مطلوب و اثربخش خواهد بود.

وزیر آموزش و پرورش:

معلمان به درآمدهای معنوی شغل خود توجه کنند

تهران-خبرگزاری کار ایران

وزیر آموزش و پرورش، معلمان را به افزایش درآمدهای معنوی شغل خود، دعوت کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مرتضی حاجی، وزیر آموزش و پرورش، در جمع خبرنگاران، معلمی را شغلی مادر با درآمدهای معنوی بسیار و درآمد مادی کم توصیف کرد.

وزیر آموزش و پرورش خاطرنشان ساخت: برای ایفای نقش معلمی باید دغدغه های معاش معلمان را حل کنیم تا آنها بتوانند تمام توان فکری و جسمی خود را درخدمت آموزش نوجوانان قراردهند.

حاجی اضافه حقوق معلمان را ناکافی دانست و گفت: اضافه حقوقی که دولت آن را تأمین می کند، کمکی به بهبود معیشت معلمان نخواهد کرد.

وزیرآموزش و پرورش با تأکید بر خلق منابع جدید درآمدی ابراز کرد: باید تغییراتی در نگرش ها ایجاد شود تا تنها وزارت آموزش و پرورش را متصدی امر تعلیم و تربیت ندانیم.

وی خاطرنشان ساخت: تمام اقشار جامعه باید به دیدگاهی برسند که تعلیم و تربیت و توجه به منابع انسانی برای همه یک اصل خدشه ناپذیر شود و در آن وقت است که افزایش حقوق معلمان را دیگر وزرای کابینه پیشنهاد می کنند.

حاجی تقویت انگیزه در معلمان را برای بهبود کیفیت کل نظام آموزشی الزامی دانست.

پایان پیام

رئیس شورای عالی آموزش و پرورش:

شرکت تمام مدیران مدارس در آموزش صلاحیت مدیریت، الزامی است

تهران-خبرگزاری کار ایران

رئیس شورای عالی آموزش و پرورش گفت: تمام مدیران مدارس باید در دوره‌های آموزشی مدیریت و آزمون احراز صلاحیت شرکت کنند.

مهدی نوید ادهم، رئیس شورای عالی آموزش و پرورش، در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، صدور و ابلاغ صلاحیت مدیران را به شرط موفقیت آنها در آزمون احراز صلاحیت اعلام کرد.

نوید ادهم خاطرنشان ساخت: طبق مصوبه اصلاحیه شورای عالی آموزش و پرورش، شرایط اختصاصی احراز مدیریت مدرسه شامل حداقل تحصیلات و سوابق تجربی است.

یادآور می شود که شرایط اختصاصی بر حسب نوع دوره تحصیلی و مدارس تعیین شده است.

رئیس شورای عالی آموزش و پرورش در ادامه گفت: مدیران مدارس آمادگی، ابتدایی و راهنمایی تحصیلی باید دارای حداقل لیسانس با سوابق ۲ تا ۶ سال و دوره متوسط و پیش دانشگاهی با حداقل مدرک لیسانس با سوابق کاری ۴ تا ۸ سال باشند.

نوید ادهم با اشاره به یکی از تبصره های این مصوبه تصریح کرد: طبق این مصوبه در مناطقی که انتخاب مدیر با مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر در دوره های ابتدایی و راهنمایی امکان پذیر نباشد، این افراد تا حداکثر ۴ سال دیگر مجاز به ادامه شغل مدیریت باشند.

وی یادآور شد: وزارت آموزش و پرورش می بایست تا پایان سال تحصیلی ۸۶-۸۵، مدیران جدید دوره های مذکور را از بین افراد دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم با حداقل ۵ سال سابقه آموزشی یا مدیریتی منصوب کند.

رئیس شورای عالی آموزش و پرورش خاطرنشان ساخت: در شرایط مساوی، دارندگان مدرک تحصیلی رشته های مختلف علوم تربیتی و ترجیحاً گرایش مدیریت آموزشی، برای تصدی مدیریت مدارس ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه نظری و پیش دانشگاهی، اولویت خواهند داشت.

پایان پیام

کدخبر ۴۶۹۳۹

دبیرکانون صنفی معلمان در گفتگو با "مهر":

ماده ۸۸ نمی تواند معضلی از آموزش و پرورش را حل کند

دبیرکانون صنفی معلمان تاکید کرد ماده ۸۸ نه تنها نمی تواند معضلی از آموزش و پرورش را حل کند ، چه بسا اگر برنامه ریزی دقیقی نداشته باشد مسایل و مشکلات فراوانی را نیز در بر خواهد داشت.

محمود بهشتی لنگرودی در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهرضمن تاکید بر این مورد که واگذاری ۵۰ درصد مدارس به بخش خصوصی ممکن نیست ، افزود: واگذاری مدارس به بخش خصوصی در کشورهای دیگر نیز صورت می پذیرد اما با تدابیر و برنامه ریزی های دقیق این کار انجام می شود .

وی افزود: بر اساس ماده ۸۸ سرانه مدرسه قرار است یک جا در اختیار مدیر مدرسه قرار بگیرد و او با توجه به آن سرانه به طور آزاد هزینه های مدرسه را تامین کند ، در حالی است که هزینه پرداختی به هیچ وجه جوابگوی نیاز مدرسه نیست.

دبیرکانون صنفی معلمان ادامه داد: ظاهرا عنوان شده که در این شرایط مبلغی به عنوان ثبت نام از اولیا دریافت نشود ، آموزش و پرورش نشان داده که کنترل مجموعه خودش را ندارد.واین شعار که ما مدرسه را به بخش خصوصی واگذار می کنیم، بااین شرط که شهریه ای برای ثبت نام دانش آموزان دریافت نشود قابل تحقق نیست.

وی افزود: در حال حاضر مدارس دولتی هم ارقامی را به عنوان شهریه می گیرند، مدارس غیر انتفاعی ارقامی را که خود وزارتخانه اعلام می کند مثلا ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان را قبول ندارد و بسیاری از موسسان این مدارس به رغم آنچه اعلام می شود ، از دانش آموزان شهریه های بالای یک میلیون تومان در یافت می کنند بهشتی ادامه داد: از طرف دیگربا اجرای این اصل ، امنیت شغلی معلمان نیز به خطر می افتد چرا که گفته اند مدیر مدرسه می تواند ۵۰ درصد کادرمدرسه رابه آموزش و پرورش واگذار و ۵۰ درصد دیگر را از خود استخدام کند. همین ۵۰ درصد معلمی که در اختیار آموزش و پرورش قرار می گیرند یک معضل بزرگ ایجاد خواهد کرد.

وی افزود: در ضمن می گویند ما مدارس سطح پایین را به بخش خصوصی واگذار می کنیم ، مدارس سطح پایین عملا توانایی جذب شهریه را ندارند ، این مدارس در مناطقی هستند که خانواده ها توانایی پرداخت هزینه را ندارند. از آن طرف با مبلغی که دولت به عنوان سرانه به مدرسه واگذار می کند اصلا نمی توان مدرسه را به صورت خصوصی اداره کرد، پس باز در عمل به جای واگذاری مدارس سطح پایین ، مدارس به سود دهی رسیده واگذار میشود و این مدارس هم دست نورچشمی ها می افتد.

بهشتی ادامه داد: واگذاری مدارس به بخش خصوصی بر اساس ماده ۸۸ بیشتر جنبه سیاسی دارد و معضلات آموزش و پرورش را برطرف نمی کند

مدیر کل دفتر ارزشیابی تحصیلی:

نرخ مردودی دانش آموزان ایرانی بیش از ۴ درصد است

تهران- خبرگزاری کار ایران

مدیر کل دفتر ارزشیابی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش کاهش نرخ مردودی در مدارس را ضروری دانست.

حسین احمدی، مدیرکل دفتر ارزشیابی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش در گفت و گو با خبرنگار سرویس اجتماعی ایلنا، گفت: متوسط مردودی در کشور را ۴/۵ درصد است.

احمدی یکی از کمترین سطوح مردودی را سطح دانش‌آموزان استان ایلام معرفی کرد و گفت: این رقم در استان ایلام بین ۲ تا ۳ درصد متغیر است.

مدیرکل دفتر ارزشیابی تحصیلی، وضعیت دانش‌آموزان این استان را مناسب ارزیابی کرد و افزود: برای رسیدن به حد مطلوب و کاهش نرخ مردودی به همکاری مردم، معلمان، کارشناسان و مدیران استان نیاز است.

وی در ادامه گفت: باید روش‌های گذشته را که در آن توجه خاصی به نمره‌های مطلوب می‌شد، حذف و روش‌های جدیدتر را جایگزین آن کنیم.

احمدی تصریح کرد: روش‌های جایگزینی به این معناست که علاوه بر توجه به درس دانش‌آموزان، به ابعاد شخصیتی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی آنها نیز توجه شود.

به گفته وی، باید در فرآیند آموزش و جریان تعلیم و تربیت دقیق بود و از ابزارهایی مانند پوشه‌کاری، مشاهده و برگه مثبت رفتار استفاده کرد.

احمدی در پایان یادآور شد: با فراهم آوردن تجهیزات و وسایل کمک آموزشی، باید کاستی‌های نظام آموزشی را اصلاح کرد تا زمینه تعلیم و تربیت مفید و مؤثری برای دانش‌آموزان به وجود آید.

پایان

عشق اخلاقی و اخلاق عشقی

آنچه از صدر یا ذیل این مقاله خواهد آمد علاوه بر حواشی مختلف ، بر یک متن محوری و اصلی تاکید خواهد داشت و آن عبارت است از این نکته که : " عشق یک فضیلت اخلاقی است ".

در نظر اول ، خواننده گمان می برد لابد جد و جهد نگارنده بر این خواهد بود که نکته ای کاملاً بدیهی و تکراری را بسط دهد اما در واقع امر ، چنین نیست .

اگر به متون تاریخی مراجعه کنیم ، خواهیم دید که بزرگان ادب و هنر ، عشق را یا به چشم احساس ، یا به چشم عقل دینی " نبا به تعبیر غلط برخی " ، یا به دیده خشک فقه ، یا به عینک عرف و یا با نگاه ادیدئولوژیک و مکتبی دیده و کاویده اند .

در واقع آنچه در این میان پیداست چهره عشق کمتر به چشم فلسفه اخلاق پدیدار شده است .

اخلاق متکی به عقل خود بنیاد ، کمتر زبان به بیان و تبیین این نکات گشوده است که " آیا عشق در زمره فضایل است یا در جرگه رذایل ؟" اگر هست و اگر نیست ، چرا؟ حق و حد آن کدام است ؟ فرم و محتوایش چگونه است ؟ ...

در طول تاریخ ، متفکران ، فیلسوفان و عارفان درباب فضائل و رذایل عموماً نظر یکسانی داشته اند .

همه گفته اند : پرستش معبود ، دانش و دانش پرستی ، انصاف ، شکیبایی ، حق شناسی و شکرگذاری ولی نعمت و صفاتی از این دست ، فضیلت اند و پسندیده و افتراء و ارتشاء و حق کشی و ظلم ، رذیلت اند و نکوهیده. اما در باب عشق ، قضیه از این قرار نیست . حتی کتب مدون اخلاقی نیز اگر در باب فضائلی چون صفا و صداقت ، حیا و نجابت ، وقار و متانت و دلیری و شجاعت و چنین نیکوئی هایی بحث و فحص

باشند در باب عشق تهیدست اند . کافیست آثار اخلاقیمان را مرور کنیم تا به نکته مذکور باور بیاوریم :

چه در معراج السعاده و جام السعادات احمد و مهدی نراقی ، چه در اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی ، چه در اخلاق حسنه و محجه البیضاء ملامحسن فیض کاشانی چه در مکارم الاخلاق و شیخ طبرسی و چه در احیاء العلوم غزالی . ما به هیچ موردی در باب عشق و دلدادگی برنمی خوریم که ، آن را با ترازوی عقل سنجیده و به متن و حواشی آن پرداخته و در آخر ، تئوریک کرده باشند .

و اما همانطور که گفته اند : فرهنگ مردم هر دیار ، تابعی از فکر و فضل و فرهنگ متفکران همان دیار است.

باید اذعان کرد که مسئله ای که در مورد اندیشمندان و بزرگان سرزمین خود گفتیم به نوعی در مورد عرف عموم نیز صدق می کند . چنانچه در میان ما رایج است اگر فضیلتهای هر کسی را بخواهیم برشمریم ، هیچگاه عاشقی او را در کنار دیگر نیکویی هایش نمی آوریم . حتی اگر در باب عشق و عاشقی او بد نگوئیم ، دست کم خوب هم نخواهیم گفت و آن را جزو فضایلش برنخواهیم شمرد . اگر چه در محافل ادبی و هنری از عشق تمجید می گردد و عاشقی ستوده می شود و اگر چه در مجامع عمومی نیز ، هر نکته بدیعی در باب عشق از همگان دلبری می کند و اگر چه علی الاغلب آدمیان به نوعی و نحوی و در دوره ای ، عاشق

بوده اند و طعم عشق و معاشقه را چشیده اند . اما با این همه در بحث اخلاق و آداب و فلسفه اخلاقی عشق ، آنچنانکه شایسته اوست ، تاکید نشده است .

بزرگان ما هیچکدام نخواسته یا نتوانسته اند پرسش و پاسخ و کند و کاوی در خور عشق (با تمام متعلقاتش) صورت دهد .

اینکه : عشق ، خوب است یا بد ؟ چرا و به چه دلیل؟

شخصیتی واحد دارد یا انواع و اقسام می پذیرد ؟ باید تا چه حد نسبت به معشوق از همه چیز گذشت ؟ و اصلاً آیا به خاطر معشوق باید از همه چیز گذشت ؟ اگر آری و اگر نه چرا و چگونه ؟چگونه و به چه کسی باید دل داد ؟ و اساساً آیا می باید دل به کسی داد؟

گذشت و وفاداری و صبر و قناعت و رضایت و فروتنی و سپاس و نیاز از متعلقات عشق اند یا مستقل از آن ؟ آنها را به خاطر عشق ، فضیلت می شماریم و یا بی تکیه بر عشق ، ارزش ذاتی و عقل دارند ؟ آیا عشق ، بدون متعلقات خود هم ارزش اخلاقی دارد یا او هر چه از فضل و فضیلت دارد ، مدیون متعلقات و وابسته هایش است ؟

عشق صادق و صداقت عشقی را از کجا و با کدام معیار می توان تشخیص داد ؟

آیا اساساً عشق می تواند صادقانه / موذیانه ، مادی / معنوی ،مجازی /حقیقی ، فانی / باقی ، خوب / بد باشد یا نه ؟ چرا و به چه صورت ؟

بیش و پیش از آنکه به سراغ موارد بالا برویم و آنها را مورد به مورد و در بوته نقد و چالش قرار دهیم به دو مسئله اساسی خواهیم پرداخت :

یکی اینکه : آیا عشق فضیلت است ؟ چرا و به چه دلیل ؟

دوم اینکه : آیا عشق و عاشقی نسبت به عشق و عاشقی دیگر ، می تواند فضیلت و ارجحیت داشته باشد؟ چرا و به چه دلیل ؟

یکی از موضوعات علم اخلاق ، پرداختن به فضائل است . اما اینکه فضیلت چیست سوالی است که در عین دشوار بودن پاسخ معلومی دارد . (بدون آنکه قصد توقف بسیار در این مورد را داشته باشیم به طور گذرا به آن اشاره می کنیم) .

یک پاسخ این می تواند باشد که فضیلت ، همان خوبی است و خوبی هم مسئله معلومی و مشخصی است. این پاسخ در واقع نوعی دور و حتی توتولوژی (این همانی) است و به آن مثل معروف می ماند که می گوید:

" خوبی خوب است و بدی بد "

شاعری از سر شیطنت سروده :

آنچه در خواب دیده ام ، خواب است

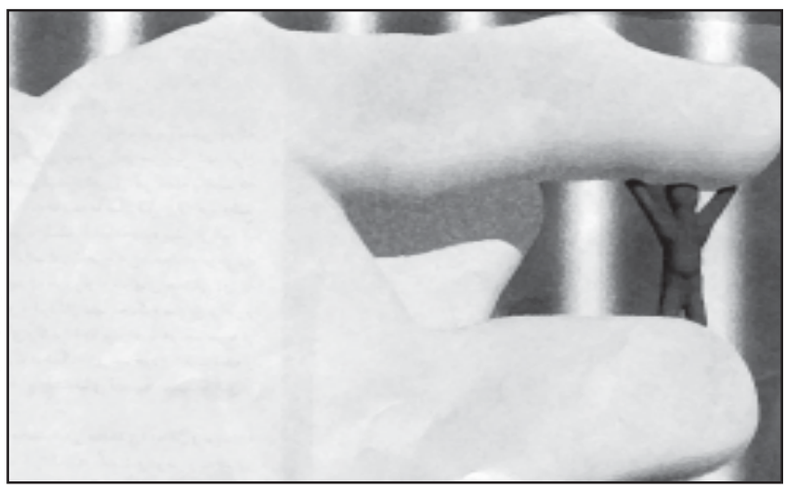

و آنچه در جوی می رود ، آب است

پاسخ دیگر این است که " خوبی آنست که عقل آدمی خوب می داند " این جواب هم کامل و قانع کننده نیست چرا که منظور از عقل ، کدام عقل و منظور از آدمی کدام آدم است ؟ آیا عقل ، مجموعه ای از داشته ها و یافته های ذهنی و تاثیرات روانی نیست ؟ که اگر هست با توجه به کم و زیاد بودن آن در افراد متفاوت ، احکام متفاوتی در مورد خوبی صادر می شود . آیا عقل همان وجدان نیست ؟ که اگر هست تکرار ارتکاب یک خطا ، قبح آن را از نظر خطا کننده می اندازد و آن خاطی بی آنکه بفهمد یا برنجد (حتی گاهی لذت هم می برد) دست به ارتکاب جرم و خیانت می زند ؟

در مورد امر نیک هم بسیار کسان که در طول تاریخ به گمان اینکه دست به کار خیری می زنند چه شر و شوری که نیافریده اند و چه جان و مالهایی که تاراج نکرده‌اند .

اما پاسخ سوم این است که علاوه بر اینکه عقل آدمی خوب وبد قضیه ای را تعریف و تحلیل می کند ، باید عرف عقلا نیز بر آن صحه بگذارد ، تا هر مسئله ای علاوه بر عقلانی بودن عقلایی هم باشد . و اما عرف عقلا همان حکم رایج و مسلم و موید ، مجموعه ای از افراد خردمند و متفکر و صاحب نظر است که در مورد امری از امور و مسئله ای از مسائل صادر می شود بی آنکه این مسئله را در کنیم که امکان خطا در این مسئله سوم هم وجود دارد دست کم به جرات می گوئیم : ضریب خطای آن به کمترین درصد ممکن خواهد رسید . اکنون با این مقدمات و تهمیدات ، به مسئله اصلی بحثمان می پردازیم که آیا عشق فضیلت است یا نه ؟ آنچنان که در ابتدای مقاله آمد کمتر اخلاق شناس و ادب دانی در قرون گذشته ، صراحتاً ومستدلا از عشق به عنوان فضیلت و از عاشق به عنوان فاضل و نیکوکار نام برده است . در صورت که اگر چه در معنای عشق ، تغییر و تحولی بوجود آمده ، اما امروزه براحتی اخلاق پژوهان و روانشناسان در باب ضرورت و لزوم عشق ، (از طرفی) و خیرات و ثمراتش (از طرفی دیگر) به بحث و فحص پرداخته و به تئوری سازی در باب متن و حواشی آن مشغولند . لاجرم عرف رایج و جاری عقلا ، پس از این عشق را با حد و رسم مشخصی تعرف می کند ، آن را در شمار فضائلی دیگر قرار داده ، به چشم تحسین می نگرد ، اما اینکه عشق به خودی خود ارزش دارد یا با توجه به آثارش نیکو شمرده می شود ، بحث جوان و جالبی است.

پاسخ این پرسش ، از جهتی بستگی به تعریف ما از عشق دارد ، اگر عشق را خارج و فارغ از آثارش بدانیم از آن تعریفی به دست دهیم که بی نیاز از تبعات و ثمراتش ، به خودی خود ، ارزشی ارجمند محسوب

می شود . و اگر عشق را بسته به وابسته هایش تفسیر کنیم باید به شرح مورد به مورد فرزندان پرفضیلتش بنشینیم و این مادر را بی وجود فرزند ارج ننهیم .

گروهی برآنند که عشق ، نوعی جوشش و جهش درونی است که در بطن خود (فی نفسه) صفای دل و از خودگذشتگی و ... مضمر دارد نه اینکه اینها را به ارمغان می آورد . در واقع بنا به قول ایشان ، عشق چیزی جز شوریدگی و جان افشانی و حاجتمندی و پیراستگی قول و فعل نیست . یعنی اگر عاشقی از جان می گذرد (این عین عشق است) نه اینکه (این از عشق است) . اما گروهی دیگر بر این عقیده اند که عشق از کیسه این و آن (تعلقاتش) نان می خورد ، چنانکه اگر هر کدام از میوه های این درخت ، ترش و نارس باشند ، باشند ، ننگی بر نام عشق خواهند بود و به اندازه ای که شیرینی و رسیدگی و تازگی و فراوانی میوه ها به چشم بیاید بر فضلیت درخت عشق ، افزوده خواهد شد . با این وصف ، کاستی و افزونی فضیلت عشق و حتی خوب یا بد بودن آن ، به دست کمیت و کیفیت آثار آن خواهد بود و ماباطبع هر کسی که جان افشان تر باشد عاشق تر و پرفضیلت تر خواهد بود . اما نگارنده ارزش عشق را بیشتر از آنکه به مشتقات و ملحقات /ان بداند ، به سوز و گداز و حال و هوای خود عشق میداند که صافی دل است و ساقی جان

اگر چه گاهی بردباری ، صداقت نفس ، اخلاص عمل ، پاکی انگیزه و اندیشه ، سرشاری از لذت ، امیدواری ، وفاداری و پرهیزگاری و... همگی میوه و محصول عشق اند اما عشق به تنهایی و بودن این دارای ها هم دار است . همچنان که اینها هم مستقل از عشق و بی تکیه بر آن می توانند باشند ، ببالند و بمانند .

اما اینکه کسی را عاشق تر از دیگری بدانیم بی گمان عده ای بر این اندیشه اند که " عاشق تر از دیگری " یعنی وفادار تر از دیگری نسبت به معشوق یا فداکارتر از دیگری نسبت به معشوق یا صافتر ... الخ در حالیکه کسی که عشق را بدون این فضائل ، فضلیتی ارجمند می شمارد ، خواهد گفت : عاشق تر بودن هر کسی نسبت به دیگری تنها و تنها از عشقش (و نه از متعلقاتش) شناخته می شود یعنی هر چه دلدارتر باشد عاشق تر است . نکته اصلی اینجاست که اگر مورد دوم را بپذیریم در نتیجه نمی توانیم عشقی را نسبت به عشقی دیگر برتری ببخشیم . در اینجا عشق ، یک شیدایی و جنون و جاذبه بی شکل و شمایلی است که در هر کسی به نوعی پدید می آید و نمود می یابد بنابراین عاشق تر و عاشق ، با هم فرقی ندارد . چرا که این مسئله دو جبهه بیشتر وجود ندارد : یا عشق یا غیر عشق اگر کسی عاشق باشد غیر عاشق نیست و برعکس

پس عشق یک حال و حالت وجدآمیز و سودازده و خیال انگیز است که در کسی بیشتر از دیگری پدید

نمی آید . اگر چه می توان گفت : فلانی وفادارتر از دیگری است یا فلان شخص امیدوارتر از بهمان شخص است . اما می توان گفت : این از آن عاشق تر است ، در اینجا قصه عشق ، شبیه قصه عدل است . یعنی همانطور که جز دو جبهه کلی وجود ندارد : عدل و غیر عدل (ظلم) ، هر چیزی هم که عادلانه باشد ظالمانه نیست و برعکس . این درست نیست که بگوئیم یک مورد از مورد دیگری عادلانه تر است چرا که آن مورد فرضی یا عادلانه است یا نسیت . اگر هست که هیچ و اگر نیست که اساساً باید معتقد بود که ظالمانه است نه اینکه اندکی عادلانه است .

به همین خاطر در هر کسی یا عشق وجد دارد یا ندارد ...

در این باب نه تنها نمی توان بحث از کیمت (کمتر یا بیشتر) کرد بلکه بحث از کیفیت (خوب و بد) نیز منتفی است . اصلا هیچ عشقی نسبت به عشق دیگری نمی تواند مدعی پاکی و پیراستگی باشد و دیگری را متهم به خبث طینت کند . یعنی دو حالت را نمی توانیم همزمان ، عشق بنامیم و به یکی صفت هوسناکی (عشق هوسناک) و به دیگری صفت پاکی (عشق پاک) بدهیم .

آن حالتی که هوسناک است عشق نیست و آن حالتی که عاشقانه است معلوم است که پاک نیز هست. پس آنچه از دایره عشق بیرون است هوس است و آنچه از دایره هوس بیرون است عشق است .

پی نوشت :

۱ - در دو کتاب معروف سعدی (بوستان و سعدی) و در دفتر و دیوان مولانا (مثنوی و دیوان کبیر) و پنج گنج نظامی سخن از عشق به میان آمده ، تاکید این بزرگان شاعر و شاعران بزرگ نقص و کاستی فلسفه اخلاق را در باب عشق جبران نمی کند البته اگر این کتابها را کتب اخلاقی بدانیم و نه مجموعه ای از قصه ها و تمثیلات عشقی !

۲ - نگارنده در نوشته دیگری نشان داده است که دشوارترین مسائل فکری و عقلانی ، همین مسائل اخلاقی‌اند .

۳ - نه فقط در عشق بلکه در معنا و فحوای ایمان ، عقل ، آزادی و هزاران مسئله دیگر به یمن دولت مدرنیته ، تحولی عظیم صورت گرفته است .

۴ - و این حال و هوا هم با هیچ سنجه و معیاری ، سنجیده و عیارگذاری نمی شود . همچون ایمان که مقیاس دقیق بیرونی برای اندازه گیری آن وجود ندارد .

۵ - عدالت ، تر و ترین را نمی پذیرد . برای فهم این بحث رجوع کنید به کتاب اخلاق خدیان نوشته دکتر عبدالکریم سروش - انتشارات علمی و فرهنگی .

والسلام

جواد بروجردی

"دموکراسی" نام نوعی اداره ی جامعه

حسن پیرتاج

معنای واژه ی یونانی دموکراسی ، حکومت مردم (مردم سالاری) است ولی این معنای تحت الفظی هر دو پای انسان را تا بالای زانو در گلی چسبنده قرار می دهد و انسان را از ادامه ی راه ناامید می سازد ، زیرا به اندازه‌ی کفایت ، برای نفهمیدن ، کلی گویی است . هر کلی گویی ، موجب تفسیر به رأی می گردد و اختلاف برای به کرسی نشاندن رأی ، بین برداشتهای مختلف بالا می گیرد و ممکن است ، هر رأی برای اثبات خود به رواج تهمت و افترا بپردازد و ناچار این وضع ، اصل موضوع را مخدوش کرده ، کار به خشونت بینجامد و از به اجرا درآمدن هر رأی ، جلوگیری گردد و تمام کوششها بی نتیجه بماند .

معنای دموکراسی در فرهنگ فارسی چنین است : "طرز حکومتی که اختیار در دست نمایندگان منتخب مردم است." این معنا هر چند نسبت به تعریف قبلی از نظر کلی گویی در سطح پایین تری قرار دارد ولی کوله بار سنگینی از مشکلات و نارسائی هارا همراه دارد . اولین و مهم ترین آن ها این است که امر انتخابات ، سال هاست ، در جوامع مختلف مورد سوء استفاده قرار می گیرد و دومین اشکال در خود انتخاب ، نهفته است ، چه کسانی نامزد می شوند ، چه کسانی تائید می گردند ، چه کسانی تائید کننده هستند و شناخت مردم از یک نامزد چه اندازه می باشد و . . . نارسائی های فراوانی از این قبیل ، که نشاط اندیشیدن را از انسان سلب می کند و ذهن را فرسلیش می دهد . این که گفته شود: "اختیار مملکت در دست نمایندگان منتخب مردم است." به تنهایی ، تمام مطالب نمی تواند باشد ، لازم است اهدافی که هر نماینده باید دنبال نماید ، معین گردد .

به دلایلی که ذکر گردید ، معنای تحت الفظی و معنایی که در فرهنگ لغات ، نوشته شده است ، نه تنها هیچ کدام افق روشنی را در مقابل دیدگان علاقه مندان قرار نمی دهند بلکه انسان را از مسأله‌ی اساسی دور می سازند ، مگر اینکه واضح و شفاف توضیح داده شوند . به نظر می رسد که دموکراسی باید اسم نوعی اداره‌ی جامعه باشد که در بطن خود ، دارای ظرفیت و انعطاف زیادی است ، به گونه ای که تحت هر شرایطی قابلیت رعایت اصول اخلاقی و عقلانی را دارد و پیدا کردن امور قابل قبول و قابل اجرا ، در شرایط کنونی جهان برای اداره‌ی جامعه ، مسأله‌ی اساسی دموکراسی است .

در دموکراسی(هر عنوان پسندیده دیگری که در یک مملکت جایگزین این نام گردد) از فرمانروایی خودسرانه(دیکتاتوری) اجتناب می شود و آزادی افراد جامعه به شرط هماهنگی با حقوق دیگران محترم شمرده شده ، قانونمند می گردد و از حکومتی که حکومت قانون نیست ، اجتناب می شود . در دموکراسی ، جامعه به نحوی اداره می شود که در آن تلاش برای بهبود امور جرم نیست و نظمی برقرار است که در آن به نیازهای ظریف مردم از قبیل مذهب ، هنر ، اندیشه آزاد و ابراز عقیده ، پاسخ مناسب داده می شود. در دموکراسی نظمی حاکم است که بر اساس آن به مردم اجازه داده می شود که از حکومتی ناتوان و زیانبار ، خلاصی یابند . بنابراین ایجاد تشکیلاتی که به واقع جامعه را تحت لوای دموکراسی و اداره کند بسیار دشوار است . زیرا به بیشترین وهمه جانبه ترین سطح هوشی افراد جامعه نیاز دارد تا افراد قادر باشند ، بر سر اصول اساسی مورد نیاز توافق کنند و بپذیرند که معرض بازتاب های اعمال و کردار خود هستند . در مقابل ، دیکتاتوری و استبداد (حکومتی که فرمانروایان مقید به قانون نباشند) که بدوی ترین و ساده ترین شکل اداره جامعه است . و در آن دانایی و ذکاوت مردم اهمیت ندارد .

نقل از (پایاب) گاهنامه معلمان همدان .

نگاهی به دیدگاههای اگزیستانسیالیسم (ژان پل سارتر)

مقدمه

اومانیزم یا انسان گرایی که امروزه جریان غالب در فرهنگ مغرب زمین است ، حاصل افکار و اندیشه های فیلسوفانی است که در مورد انسان نظریه پردازی کرده اند . دراین شماره به بحث و بررسی مختصر دیدگاه های یکی از چهره های شاخص این فیلسوفان خواهیم پرداخت .

سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰)

ژان پل سارتر از چهره های شاخص اگزیستانسیالیسم الحادی ،نمایشنامه نویس ، منتقد و فیلسوف فرانسوی است که آثار زیادی نوشته است . از جمله ی آثار او می توان به تخیل (در دو کتاب) اشاره کرد . این دو کتاب متاثر از نظریه های هوسول است . البته استقلال فکری در کتاب دوم بیشتر است .اثر دیگر او " انگاره ی عواطف " است که در آن مفاهیم اگزیستانسیالیستی ، مثل دلهره ، اضطراب ، امید و مانند آن با نگرش پدیدار شناسانه - بحث می کند . تعالی من (یا استعلای فرد) و هستی و نیستی ، عنوان دو اثر دیگر از آثار او ست . مراد از نیستی مفهوم انتزاعی عدم نیست ، بلکه مراد از آن چیزی است که وجود را از بین می برد . پاره ای دیگر از آثار او عبارتند از را ه های منتهی به آزادی، نقد عقد دیالکتیکی زندگی نامه خود نوشت ، دست های آلوده ، تهوع .شهرت سارتر بیشتر ناشی از نمایشنامه ها و رمان های اوست که در آن نازی ها را مورد حمله قرار می داد . او سربازی بود که در ارتش آلمان اسیر وسپس آزاد شد . پس از آزادی این نمایشنامه ها را نوشت . پس از کتاب هستی ونیستی شاید این سه کتاب جایگزین خوبی برای آشنایی با افکار سارتر است :

اگزیستانسیالیسم ، تعالی من ، انگاره ی عواطف .

سارتر در " انگاره ی عواطف" پدیدار شناسی می کند و مفاهیم ترس ، دلهره ، شرم و مانند آن را که " کی یر یگارد " در غالب آن تفسیر می کرد به کار گرفت . منتهی با این تفاوت که زمینه دینی را کنار می گذارد کابرین مارسل فیلسوف کاتولیک معاصر وی نیز همین مفاهیم را مورد بررسی قرار می دهد هر چند او نیز اگزیستانسیالیست بود ، اما چون به سارتر علاقه نداشت لذا دوست نداشت عنوان اگزیستانسیالیست را که به سارتر می دادند به او بدهند . مارسل دوست داشت او را به عنوان فیلسوف امور عینی بشناسند .

سارتر در رمان "تهوع" شهرت بسیاری کسب کرد . او در این جا موقعیت یاس آور شخصیت این داستان را تصویر می کشد . این شخصیت در رستورانی نشسته و در اندیشه های خود غوطه ور است . با این که هیچ مشکلی ندارد ، اما دچار یاس و ناامیدی است . تحلیل سارتر این است که مشکل او همان " مشکل نداشتن " او است و همین امر موجب بی معنایی زندگی و کل جهان اطراف او شده است . این بی تفاوتی تمام عیار با وضعیت انسانی و سرشت انسانی مرتبط است . و این مفاهیم را از هگل (وجود صرف و فی نفسه) اقتباس کرد اما معنای عقلانی که هگل به آن می داد از آن زدوده است .

سارتر اسم این بی تفاوتی را که از وجود صرف احساس می کند "تهوع" می نامد ؛ زیرا وجود صرف و فی نفسه هیچ ربطی با موقعیت انسانی او ندارد و وحدت هویتش شروع به فروپاشی می کند ، لذا آن را تهوع نامیده است . سارتر دو نوع اگزیستانسیالیسم را مشخص می کند . الف- اگزیستانسیالیسم الهی که نمونه اش را گابریل مارسل

> **سارتر در " انگاره ی عواطف" پدیدار شناسی می کند و مفاهیم ترس ، دلهره ، شرم و مانند آن را که " کی یر یگارد " در غالب آن تفسیر می کرد به کار گرفت**

کاتولیک و یا سپرس می داند . ب-اگزیستانسیالیسم الحادی ؛ که خودش را و به خطا ، هایدگر را مثال می زند ، در حالی که هایدگر خودش تصریح می کند که من نه الهی ام نه الحادی . اما مصداق بارز این نوع اگزیستانسیالیسم خود سارتر است به تصریح خودش .

سارتر می گوید به عقیده من اصل مشترکی بین هر دو نوع اگزیستانسیالیسم است . و آن اصل تقدم وجود بر ماهیت است ، یعنی مبدا و نقطه ی آغاز ، انسان است و انسان باید از خودش شروع کند . سارتر و هایدگر هیچ کدام وجود مقدم بر ماهیت را مطرح نکردند . آنها فقط " بودن در جهان " را مطرح می کردند ، نه بودن خود انسان و وجود انسان را . ایشان برای توضیح "تقدم وجود بر ماهیت" می گوید : ابتدا باید آن را عکس کنیم تا فهمیدن عکس آن ، اصل این شعار تقدم وجود بر ماهیت معلوم شود او مثالی می زند وقتی که یک صنعتگر فراورده ای را تولید می کند ، قبل از تولید این فرآورده ماهیت آن در ذهن صنعتگر شکل می گیرد ، وجودش تحقق می یابد . اما سارتر می گوید : من عکس این را می گویم . سارتر در اینجا علاوه بر اصلاح اگزیستانسیالیسم تعبیر Essahtialism " اصالت ماهیت " را به کار می برد . اصالت ماهیت در نظر او به این معناست که معتقدین به خدا قائلند که قبل از خلقت انسان ، ماهیت انسانها در ذهن و علم خدا بوده و خدا از آن طریق انسان را خلق کرده است .او این را قبول ندارد و بر این باور است که چند عده ای عقیده به خدا را رها کرده اند اما رسوبات تفکر تقدم ماهیت بر وجود هنوز باقی مانده است و آن اینکه انسان تجسم و تجسد " ذات انسان " است و بین همه انسانها مشترک است و من سارتر می خواهم این تفکر را از بین ببرم . در اگزیستانسیالیسم الحادی انسان قبل از تعریف خودش ، موجود است ، انسان است که از خودش تعریفی به دست می دهد انسان با اراده و اختیارش ذاتش را می سازد . انسان با اراده خودش شکل داده می شود نه به واسطه آنکه در طبیعت به او اعطا شده است . از نظر سارتر اصل مشترک نمی تواند در هیچ یک از این دو (خدا و ماهیت مشترک) ریشه داشته باشد ، بلکه ریشه ی این اصل در این است که همه ی انسان ها اختیار ، حق و احساس مسئولیت دارند و این همان مبنای مشترک می شود . سپس سارتر در این جا به اصل کانتی (ایده آلیسم کانتی) متوصل می شود . کانت می گفت " یک عمل در صورتی خوب واخلاقی است که همگان بتوانند همه جا آن را انجام دهند و خوب تلقی شود ." لیکن این نظریه برای کانت مناسب است ، چون او معتقد به اصل کلی ومشترک در ماهیت همه ی انسان ماهیت در حالی که سارتر به این امر کلی معتقد نیست .

ریشه ی فلسفه ی الحاقی سارتر این است که او بین قدرت مطلقه خدا و اراده ی انسان ناسازگاری دیده است. او می گوید : اگر خدایی باشد او قادر مطلق خواهد بود و دیگر انسان اراده واختیار نخواهد داشت در این اثر این ناسازگاری ، اختیار انسان را پذیرفته و خدا را منکر شده است .

> **لیکن این نظریه برای کانت مناسب است ، چون او معتقد به اصل کلی ومشترک در ماهیت همه ی انسان ماهیت در حالی که سارتر به این امر کلی معتقد نیست**

سارتر بعد از ارایه شالوده ی مشترک می گوید :

" من و دیگران محکوم به آزادی هستیم " که این بیان مبنایی می شود برای تفکر اومانیستی او .

مولف کنت اشمیتر

مجتمع فرهنگی آموزشی نماکارنگ

(روزانه - شبانه - آزاد)

از سال اول دبیرستان در رشته‌های زیر ثبت‌نام می‌نماید

گرافیک کامپیوتری - نقاشی - کامپیوتر - حسابداری

آدرس: تحریش ابتدای شریعتی کوچه مهنای یک پلاک ۶

تلفن:۲۷۱۴۰۹۴۰-۲۷۲۴۳۴۶

یادداشت

طی ۲۴ سال گذشته

حقوق کارکنان دولت نصف شده است

سیدضرغام عبداللهی مدیر سیستم‌ها و روش متمرکز فناوری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام کرد به علت ناکارآمدی نظام اداری و تورم ۲۲ درصدی سالانه منجر به کاهش ۵۰ درصدی حقوق کارمندان نسبت به سال ۱۳۵۸ شده است.

مشاغل مدیریتی در این مدت دارای رشد ۶۰ درصدی و افزایش حجم دستگاه‌های دولتی را از ۲۱ دستگاه در سال ۵۸ به ۸۹۹ دستگاه اعلام کرد. (صفحه ۳ روزنامه آشتی ملی- ۸۲/۵/۸)

سئوال این است چرا معلمان و کارمندان باید حجم سنگین اداری و تورم را به دوش بکشند؟ و اگر اعتراض کنند موجب نگرانی آقایان می‌شود! چه کسی وظیفه توزیع ثروت را را در جامعه به عهده دارد؟

پرداخت عادلانه حقوق وظیفه حاکمان است.

بدون تردید یکی از عوامل موثر و تعیین کننده‌ی شخصیت اجتماعی کارکنان دولت حمایت مادی و منزلتی دولت می‌باشد.

حقوق و دستمزد کارکنان براساس شاخص‌های تورم تعیین می‌گردد. بنابراین دولت باید زندگی قابل قبولی برای کارکنان خود فراهم آورد. تا بهره وری و بازده قابل ملاحظه را در ادارات داشته باشیم.

یکی از شرایط تحقق رشد اقتصادی، نیروی انسانی ماهر و سرمایه به حد کافی داشته باشیم اعمال مدیریت صحیح ترکیبی مناسب ساز در این زمینه است.

جغد طلاق بر سر ما ضجه می‌زند

مسئله طلاق آنچنان در سالهای اخیر متداول شده که نیمی از ازدواج‌ها قبل از پایان ۱۰ سال و اغلب اوقات زودتر به جدایی می‌کشد. با این همه، باوجود متداول شدن این پدیده، طلاق هنوز یکی از بحران‌های وحشتناک زندگی به شمار می‌آید که عواقب و عوارض آن در خانواده انکارناپذیر می‌باشد.

با کمال تاسف والدین آگاه نیستند که تشنج و ازهم پاشیدگی ناشی از طلاق منحصر به یک یا چند هفته یا حتی ماه نیست.

سالها مطالعه و تحقیق نشان داده که جنگ و جدال دایمی در خانه، اثر معکوس روی روحیه بچه‌ها می‌گذارد. امکان اینکه در خانواده‌های عاری از عشق و شادی، یعنی جایی که همیشه صحنه جنگ و ستیز است بچه‌ها گرفتار مشکلات رفتاری و شخصیتی گردند، به مراتب بیشتر از محیط‌های دیگر است.

نزاع‌های دامنه‌دار زناشویی برای همه بچه‌ها سخت و ناگوار است. اما تجربه نشان داده که برای پسربچه‌ها تحمل این اختلافات مشکل‌تر بوده و آنها آمادگی بیشتری برای ابتلا به «مشکلات رفتاری» دارند به همین دلیل، پسرهایی که در خانواده‌های پراز تضاد و تشنج بزرگ می‌شوند، اغلب بچه‌هایی عصبی مزاج، خودسر و نامنظم بار می‌آیند. اینگونه بچه‌ها اغلب با پلیس و اولیا مدرسه برخورد پیدا می‌کنند و تعداد دفعاتی که توسط نیروی انتظامی دستگیر می‌شوند دو برابر دفعاتی است که پسرهای پدر-مادر دار دستگیر می‌شوند.

مشاجره خانوادگی روی دختران به نحو دیگری اثر می‌گذارد. آنها احتمالا افرادی مضطرب، نگران، گوشه‌گیر یا زیاده از حد مبادی آدب بار می‌آیند.

یک سوم بچه‌های طلاق در سالهای اول جدایی با مشکلات اساسی و مهم روبرو می‌شوند.

بنابر مطالعات انجام شده اکثریت پژوهشگران، بچه‌ها پس از جدایی دچار ناراحتی و نگرانی‌های گوناگون می‌شوند. در سال اول جدایی، احساس خشم، ترس، افسردگی و احساس گناه زیادی در بعدها ظاهر می‌گردد که در سال دوم رو به کاهش می‌گذارد. با وجود این، برای درک بیشتر این حالت‌ها باید به مطالعه اثرات مختلف روی پسرها و دخترها در سنین مختلف پرداخت.

الف: سالهای پیش از دبستان: واکنش بچه‌ها در سنین پیش از دبستان (۳ تا ۵ سالگی) به صورت خشم و افسردگی نمایان می‌گردد. پسرها معمولا ناآرام‌تر، خشن‌تر و شیطان‌تر می‌شوند. در بعضی از موارد به‌اندازه سابق، شوقی به بازی با سایر کودکان نشان نمی‌دهند و اغلب ترجیح می‌دهند تنها باشند. چنانچه در مهدکودک پسر برند، به جای همکاری به هنگام بازی دسته‌جمعی، سعی می‌کنند اخلال و بی‌نظمی ایجاد کنند. بعضی از دخترهای کمتر از هفت سال عصبی مزاج می‌شوند، اما برخی دیگر «رفتار بزرگترها» را در پیش می‌گیرند. این جور بچه‌های «کمال طلب» بیش از حد مراقب رفتار و پاکیزگی هستند و ضمنا سایر بچه‌ها را مثل پدر و مادر یا معلم سرزنش می‌کنند یا پند و اندرز می‌دهند. بچه‌های این سن و سال اغلب غمگین و افسرده به نظر می‌رسند، زود به گریه می‌افتند و زیاده طلب می‌شوند.

ب: سالهای مدرسه: بچه‌های ۶ تا ۸ ساله اغلب پس از جدایی پدر و مادر دچار افسردگی شدید می‌شوند. واکنش پسرها معمولا از دخترها شدیدتر است. پسربچه‌ها زود گریه می‌کنند، و سراغ پدر را می‌گیرند. هر چه سن این بچه‌ها زیادتر می‌شود، احساس غم و افسردگی جای خود را به خشم و خشونت می‌دهد. بچه‌های ۹ تا ۱۲ ساله، خاصه پس از جدایی والدین، واکنش‌های خشم آلودی از خود نشان می‌دهند. برای مادرها به نظم درآوردن آنها کار آسانی نیست. پسرها از بازدید و ملاقات با پدر استقبال نمی‌کنند، کارکرد آنها در مدرسه پایین می‌آید و بعضی از پسران و دختران با معلمان خود درگیری‌های پیدا می‌کنند. لازم به ذکر است که، جدایی پدر و مادر مسائل بیشتری را برای پسرها در مقایسه با دخترها در این گروه سنی به وجود می‌آورد.

ج: جوانان: جوانان، در مقایسه با خردسالان سازش پذیری بیشتری نسبت به مسأله طلاق نشان می‌دهند. شاید به این دلیل باشد که در این سن نوجوانان استقلال بیشتری پیدا می‌کنند. و ارتباط نزدیکی با والدین ندارند، آشکارا به محبت نیاز دارند و راهنمایی کمتری خواهانند. نوجوانان در چنین موقعیت‌هایی خود را از پدر و مادر دور نگه می‌دارند و می‌کوشند زندگی و برنامه‌های مستقل و جدیدی را دنبال کنند. بسیاری از آنها در ابتدای جدایی احساس «فریب خوردگی» می‌کنند و برخی واکنش خشم‌آلودی از خود نشان می‌دهند و سعی می‌کنند از محیط خانه دور باشند.

اما مسأله اساسا هنگامی پدید می‌آید که جوانان دچار تعارضی برای وفاداری به مادر یا پدر می‌شوند و تصور می‌کنند بین آنها یکی را باید انتخاب کنند!

اکنون به پدر مرا رها کرده آیا امکان دارد مادر هم مرا رها کند؟!!!

اما کودکان از دست دادن والدین را در خود تقویت می‌کنند. ترسی از تنهایی و تشویش‌های ناشی از جدایی در کودک، یکی به علت دید زمانی محدود او وعدم رشد فکری کافی و دیگری به سبب شدت وابستگی روحی و عاطفی به پدر و مادر است. تصور کودک از جهان و دنیای بیرون برخلاف بزرگسالان، براساس نهادهایی است که در معرض دید فوری او قرار دارند. و وابسته به زمان حال می‌باشند.

خردسالان به علت نداشتن رشد فکری کافی، هنوز یاد نگرفته‌اند آینده‌نگری کنند، مانند افراد بالغ چند روز و حتی چند ساعت آینده را با اطمینان خاطر پیش‌بینی و مجسم نمایند. قدرت تجسم کودک با این حس تشخیص که پس از دور شدن جسم یا تشخیص از مقابل دیدگانش بتواند شیئی دور شده را در ذهن مجسم کند، یک پیشرفت زیربنایی قابل ملاحظه است که در سنین سه سالگی کودک تاحدی قابلیت آن را پیدا می‌کند.

باوجود این، به علت فشار و تضاد روحی شدید نظیر آنچه طلاق به وجود می‌آورد تجسمی کودک از ادامه یا پایداری روابط میان افراد دارد باز هم ممکن است شکسته شود، چون ثبات و دوام بزرگسالان را ندارد.

ناراحتی‌ها و تشویش‌های ناشی از طلاق بدترین و دردناکترین ضربه روحی است که کودکان و بزرگسالان ممکن است در زندگی تجربه کنند. بیشتر ناراحتی و تضادهایی که کودکان ۳ تا ۷ ساله بعد از طلاق آزمایش می‌کنند، ناشی از ترس تنهایی و درماندگی و اضطراب‌های ناشی از جدایی است. چه بچه‌ها به این ترس درونی اعتراف کنند و چه آن را مخفی نگه دارند، والدین باید بدانند که این ترس وجود دارد.

بهاره خاکساری

منبع: بچه‌های طلاق، دکتر توراندخت تمدن

نهاد(Institution)

واژه نهاد در ادبیات فارسی معانی مختلفی دارد. این واژه از فعل نهادن مشتق شده است و به معانی گوناگون: گذاشت، اداء دین، سرشت، طبیعت، خوی، طبع، خمیره، ذات، گوهر، خلقت، باطن درون، اصل و ریشه، روش، رسم و آئین، شعار، قاعده، سلوک، قانون، یکرنگی، ارکان، اساس، بنیاد، وضع، حال، کیفیت، صورت، قرار و نسبت به کار می‌آید)، (۱) و نهاد (در لاتین معنای «مستقر کردن»، «ساختن»، «تثبیت کردن»، از آن برمی‌آید گرفته شده است. در زبان فرانسه، به معنای تشکیلات یا شکلی از سازمان اجتماعی است که اغلب دارای جنبه‌ای حقوقی یا شبه حقوقی است کار کردن اجتماعی به عهده دار و طول عمرش جدا از خواست و اراده اعضای آن است (۲) (لیکن اصطلاح نهاد، در زبان فرانسه، دارای معنایی کلی و مبهم نیز هست و معانی خاص و نسبتا متنوعی بدان می‌پیوندند. حقوقدانان و جامعه‌شناسان نیز هر یک این واژه را در معنایی خاص به کار می‌برند. نظیر معنایی که در کیم، موس، هوریون، گورویچ، (بروس کوئن) از آن استفاده می‌دارند در اصطلاح جامعه شناسان آمریکایی یک نهاد، به معنایی شکل رایجی از کردارهای همگن و هماهنگ است که در جهت اعمال کنترل اجتماعی و هم ارضای نیازهای اساسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بارسنز نهاد را مجموعه‌ای از نقشهای (یا روابط بین پادگانها) نهادی شده می‌داند که حایز معنایی ساختی و اهدافی درازمدت‌اند). (۳) دورکیم (نهاد را به همه عقاید و شیوه‌های رفتاری اطلاق کرد که اجتماع نهاده یا تاسیس کرده باشد) (۴) (مارسل موس جامعه شناس فرانسوی در تعریف نهاد می‌گوید: نهادها اعمال و افکاری اجتماعی‌اند که فرد از آغاز تولد آنها را در مقابل خود ساخته و پرداخته می‌یابد و انتقال این اعمال و افکار غالبا از راه آموزش صورت می‌گیرد((۵) (اگبرن و نیم کف در تعریف نهاد می‌گویند: کارکردهای جامعه جریان‌های پیچیده گوناگون به وجود می‌آورند و جریان (پویش) پدیده‌ای است با تغییر مداوم زمانی) (۶) (بروس کوئن در تعریف نهاد می‌گوید (نظامی نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای نظارت شده و یکسان را باهدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه در بر می‌گیرد به طور معمول پنج نهاد بنیادی را در همه جامعه‌ها می‌توان بازشناخت این نهادهای پنجگانه عبارتنداز: نهادهای خانوادگی، آموزش پرورش، دینی، اقتصادی و حکومتی. هر نهاد کارکرد و مسئولیتهای خاص دارد که به آن نهاد اختصاص یافته است((۷) ازتعاریف فوق می‌توان گفت: باید نهاد را همچون ساختی جزئی از یک جامعه، جدا از گروه و با کارکرد خاصی در حیات اجتماعی دید. نهاد دارای هنجارهایی است اجباری برای جمع. جامعه نیز در سطح کلی این هنجارها را به رسمیت می‌شناسد و به اعضای خود تحمیل می‌کند نهاد از اهدافی روشن در خلال نسلها، پیروی می‌کند و همین امر موجب می‌شود که تمامی اعضای جامعه آن را بپذیرند و به رسمیت شناسند. هنجارها اهداف مورد نظر و ارزشهای معمول نظامی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند نظور پذیرد، لیکن همواره دارای وحدت و هماهنگی است تنوع نهادها به معنایی پیدایی جامعه‌ای است پیشرفته) (۸) و در نهایت این که نهاد مجموعه‌ای است از هنجارها، ارزشهای و الگوهای اجتماعی که براساس نیاز جامعه شکل می‌گیرد و در جهت رفع نیازها کوشش می‌کند.

علیرضا جاوید و محمد نجاری-دانشجویان جامعه شناسی

واژه‌نامه

«تعریف آزادی» باتوجه به حقوق عمومی حالتی است در انسان که به موجب آن شخص می‌تواند آنطور که اراده کند رفتار نماید. و این از مواردی است که قوانین الزامی (امر و نهی) وجود نداشته باشد.

✓«اقسام آزادی»

الف: آزادی سیاسی: آن قسمتی از حقوق افراد است که به موجب آن می‌توانند حق حاکمیت را داشته باشند. خواه به طور مستقیم و خواه از راه انتخاب نمایندگان (اصل ۲۶ متمم قانون اساسی ایران). آزادی سیاسی از شرایط رژیم دمکراسی است و چنین حکومتی را حکومت دمکراتیک نامند.

ب: آزادی فردی: عبارت است از قدرت‌هایی که برای فرد شناخته شده است به این منظور که فرد با استفاده از آن قدرت‌ها بتواند هرچه در قوه دارد بفعل آورد و نیروهایی که طبیعت در وی نهاده است، ظار سازد. این آزادی‌ها را قانون و دستگاه قضایی و دولت تنظیم و تضمین می‌کند. مانند آزادی مطبوعات و انجمن‌ها و تجارب و صنعت و غیره.

ج: آزادی عمومی: مجموع آزادی‌های فردی و آزادی‌هایی که برای دستجات اجتماعی شناخته شده است که محدود به صلاحیت دولت و حکومت است.

✓جزا

«اقسام آزادی از نگاه حقوق جزا»

الف: آزادی موقت: این آزادی محدود است به وقت. و نیز قابل سلب است و می‌توان آن را استرداد نمود و غالبا به قید ضمان می‌باشد. و به کسی داده می‌شود که به اتهام ارتکاب در توقیف احتیاطی بسر می‌برد.

ب: آزادی تحت مراقبت: این آزادی به برخی از صغار (ممیز و غیرممیز) داده می‌شود که مرتکب جرم شده‌اند، در حالیکه مجرم مزبور از طرف دادگاه به خانواده خود یا به شخص مورد اعتماد یا یکی از موسسات خیریه سپرده می‌شود. و مراقب او باید به رئیس دادگاه گزارش‌هایی از طرز مراقبت خود بدهد.

«اقسام آزادی از نگاه حقوق بین‌المللی عمومی»

الف: آزادی دریاها: حقوق بین‌الملل عمومی اصلی است از اصول حقوقی بین‌الملل عمومی که لااقل در زمان صبح از طرف دول رعایت می‌شود. و مفاد اصل مذبور این است که کشتی‌های همه دول در اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد عموما حق عبور و مرور را دارند جز دزدان دریایی و کشتی‌های حامل بردگان.

ب: آزادی به قول شرف: آزادی است که یک دولت وارد جنگ، به اسیر جنگی خود می‌دهد و اسیر مذبور تعهد اخلاقی می‌دهد که شرایطی را که برای دولت مذبور پذیرفته است رعایت نماید و مخصوصا علیه دولت مذبور اقدام مسلح نکند.

منبع: محمدجعفر جعفری لنگرودی، - میتولوژی حقوق

آب که باشد تیمم باطل است ...

کلام اول . . .

الهی در سر خمار تو داریم و در دل اسرار تو داریم و بر زبان استغفار تو داریم ، اگر جوییم رضای تو جوییم و اگر گوئیم ثنای تو گوئیم .

الهی فرمودی که در دنیا بدان چشم که در توانگران می نگرید به درویشان و مسکینان نگرید .

الهی تو کریمی و اولی تری که در آخرت بدان چشم که در مطیعان نگری در عاصیان نگری .

کلام دیگر . . .

یکی از عیوب عمده ، که بر روند تحقیقاتی و بررسی معضلات در جامعه ما حاکم گردیده ، عدم وجود آمار دقیق و مبتنی بر اصول علمی در تمامی زوایا است . امروزه حدوث چنین عیبی باعث ریشه دوانیدن باور غلطی در افکار عمومی گردیده است : بدین مضمون که ، نبود آمار دقیق به معنی نبود معضلات و جرائم موجود قلمداد می شود . لیکن مسئله ای که بدون وجود آمار دقیق ، خطر حضور آن محسوس است ، پدیده ای تحت عنوان " کودکان خیابانی" است . کودکان خیابانی چه کسانی هستند ؟!

کودکان خیابانی ، آن گروه از کودکان هستند که به دلایل گوناگونی مانند بی سرپرستی ، بی سرپناهی و ... برای یافتن مأمنی در کوچه باغهای این شهر سرگردانند .

سرگردانی این گروه ، یعنی افول هویت ، شخصیت ، فرهنگ و نهایتا جامعه اسلامی ایران .

کودکان خیابانی ، بچه هایی هستند که به جای پرداختن به دنیای پر افت و خیز رؤیاهاشان ، در پیچ و خم پلشتیهای زندگی گرفتار آمده اند . اینها کودکانی هستند که آدامس فروشی ، گل فروشی ، پاک کردن شیشه ماشینها و ... انواع و اقسام کارهای این چنینی را پیشه خود ساخته اند . اما خطر زمانی جدی تر می شود که این کودکان بوسیله باندهای تبهکاری که دست کمی از باندهای مافیایی ندارند ، جذب و توسط این گروهها به بیگاری گمارده می شوند .به عبارت دیگر انتخاب می شوند بدون اینکه حق انتخاب داشته باشند !

آیا تا به حال به فلسفه حضور اینهمه کودک بی گناه که به اشکال مختلف در تهران بالاخص و شهرستانها پراکنده اند ، اندیشیده اید ؟! آیا این سؤال ذهن شما را قلقلک نمی دهد که چرا پدیده ای با عنوان "بچه های خیابان" تولد یافته است ؟!

آری ، فروش آدامس ، شکلات ، گل و چسب زخم بطور همزمان حکایت از وجود دسته ها و سازمانهایی است که بر فعالیت این کودکان نظلرت داشته و آنها را سازماندهی می کنند . مسئله ی بغرنج و أسف بار این است که کودکان بی سرپرست ، بی سرپناه یا بد سرپرست طعمه های به دام افتاده ای هستند که به سرعت توسط شکارچیان شرف ، حیثیت و امنیت انسانها صید می شوند . آری ، این سازمان های نامرئی ، صیادان عواطف علایق و احساسات جریحه دار شده ی این نوع از کودکان هستند .

این باندهای جنایتکار با توجه به زمینه های عاطفی و روانی کودکان بی سرپرست ، بد سرپرست و ... چنان شخصیت ضد اجتماعی از آنها می سازند که در اکثر موارد بازگشت آنان به محیط سالم جامعه کاری بس دشوار به نظر می رسد . اوج شکل گیری شخصیت ضد اجتماعی در آنان زمانی است که به آنها القا شود که یگانه عامل بدبختی و سرگردانی آنان ، جامعه است .

اینجاست که کمر به انتقام عامل مصیبت هایشان می بندند و جامعه را مقصر و مؤثر در سرنوشت رقم خورده خویش می دانند ! این کودکان ، چاره ای جز اطاعت و فرمانبرداری از سرگروه های خود ندارند . باید روزانه ۱۲ ساعت از مفیدترین و زیباترین ساعات زندگی خود را به انجام دستورات مکتوب رؤسایشان اختصاص دهند و اگر نتوانند جیب صاحب کاران خود را مملو از پول نمایند چاره ای جز تحمل گرسنگی تا صبح نخواهند داشت !

آری ، کودکان خیابانی رادریابید چرا که ، شخصیت ، انسانیت ، مجد و روح لطیفشان در تلاطم چنین آشوبی سقوط خواهد کرد و ...

امروزه ما چقدر راحت و بدون دغدغه چشم را بر روی ناهنجاری ها و نابسامانی های جامعه می بندیم ! اسف بارتر اینکه ، برخی دوست دارند فقط زیبائی ها و زرق و برق های دنیا راببینند و از دیدن حقایق اطراف گریزان هستند . غافل از اینکه ، در کنار سبزی های جامعه چشم دل را بر روی زردی های آن نیز ، باید گشود .

آری ، جامعه ای که نمی خواهد نسبت به معضلات موجود که یکی از نمونه های بارز آن پدیده ی "بچه های خیابان" است ، واکنشی سازنده و مفید ابرازنماید بایستی بزودی شاهد اضمحلال و افول کانون اصلی خود یعنی خانواده باشد . جامعه برای درک این واقعیت که ، ویروسی در حال زایش عفونت است و این عفونت پنجه های اختاپوسی خود را تا اعماق وجود جامعه گسترانیده است ، نیاز به یک تلنگر دارد !!!

پس ، پرده ها را برداریم و بگذاریم که احساس نفسی بکشد و . .

بهارخاکساری‌مشاور حقوقی.

کودکان بی سرپناه وبی سرپرست و یا بد سرپرست لقمه های آماده ای هستند که خیلی زود از طریق باندهای تبهکاری جذب و طی دوره های کارآموزی با دنیای تبهکاری آشنا می شوند و آن چنان مورد سوء استفاده های بدنی و جنسی قرار می گیرند که امید بازگشت آنها به یک زندگی سالم تقریبا محال است

کاهش نرخ بیکاری، مستلزم تحقق رشد اقتصادی است

یک کارشناس مسایل اقتصادی، بحث اشتغال را یکی از مباحث عمومی اقتصاد کلان عنوان کرده و می‌گوید: در ایران زمانی که بحث اشتغال پیش می‌آید، فقط نیروی انسانی که یکی از عوامل تولید می‌باشد، مطرح می‌شود در حالی که این اصطلاح مجموعه‌ای از عواملی می‌باشد که باید به آنها دست یافت.

دکتر محمدجواد عاصمی‌پور در گفت و گو با سرویس خبری ایلنا، اشتغال را ترکیبی مناسب از همه عوامل تولید نظیر سرمایه، تکنولوژی، مدیریت و نیروی انسانی و بهره‌برداری بهینه و حداکثر از آنها توصیف کرد و گفت: اعمال مدیریت صحیح برای تحقق این موارد موجب می‌شود که به ترکیبی مناسب از بهره‌وری دست پیدا کنیم.

این کارشناس مسائی اقتصادی به قانون نسبت به مقیاس اشاره کرد و گفت: این قانون نشان می‌دهد که به چه نسبت عوامل تولید را باهم ترکیب کنیم تا به نتیجه آن که افزایش چند برابر تولید، اشتغال همه موارد تولید و بهره‌وری است دست پیدا کنیم.

دکتر عاصمی‌پور افزود: این یعنی اشتغال کامل که در نتیجه آن سرمایه افزایش پیدا می‌کند، تکنولوژی تغییریافته و اثربخش می‌شود، میزان بهره‌وری نیروی انسانی ارتقاء پیدا می‌کند و به دنبال آن زمینه اشتغال افراد در جامعه فراهم می‌شود.

وی ادامه داد: مقابل این قانون، قانون بازده نزولی را داریم که می‌گوید به جای افزایش متناسب عوامل تولید، یک عامل را تغییر می‌دهیم مثلا جذب نیروی کار جدید که نمونه‌اش طرح ضربتی اشتغال است که همه عوامل ثابت هستند کارخانه‌ها زیر ظرفیت کار می‌کنند، سرمایه افزایش نیافته، تکنولوژی تغییر پیدا نکرده و در عین حال به واسطه اجرای یک طرح می‌خواهیم دهها هزار جویای کار را به بازار کار تزریق کنیم.

دکتر عاصمی‌پور تصریح کرد: این گونه طرح‌ها اگرچه در کوتاه مدت جواب می‌دهد و تاحدودی تب بیکاری فروکش می‌کند اما به دلیل نبود مهارت در نزد تازه واردان به بازار کار، میزان بهره‌وری تولید به تدریج پایین می‌آید و به واقع بر جمعیت بیکار کارخانه‌ها افزوده می‌شود.

وی به عنوان نمونه به صنعت خودروسازی اشاره کرد و گفت: بعد از جنگ تحمیلی بدون آنکه در صنعت خودروسازی تحول ایجاد کرده و با تکنولوژی روز پیش برویم، خیل کثیری از کارگران بی‌تجربه را جذب این صنعت کردیم که نتیجه آن کاهش کیفیت خودروهای تولیدی شد. این کارشناس مسائل اقتصادی تاکید کرد: اشتغال کامل زمانی تحقق پیدا می‌کند که همه عوامل تولید به نسبت مساوی رشد پیدا کند.

وی یکی از شرایط مهم کاهش نرخ بیکاری را تحقق رشد اقتصادی پیش‌بینی شده عنوان کرد و گفت: این رشد ۸ درصدی زمانی در بخش صنعت محقق می‌شود که همه عوامل تولید یکسان رشد کنند به عبارتی ماشین‌آلات نو به کار گرفته شود، فناوری روز مورد استفاده قرار گیرد، سرمایه به حد کافی وجود داشته باشد، نیروی انسانی ماهر به کار گرفته شود و تولیدات با کیفیت به بازار تقاضا عرضه شود.

فیزیوتراپی صادقی

طرف قرارداد بیمه

خیابان پاسداران - نبش گلستان یکم - پلاک ۳۰۱

تلفن: ۲۵۴۴۸۰۴-فاکس: ۲۵۴۴۸۰۳

«زندگی رنگ است»

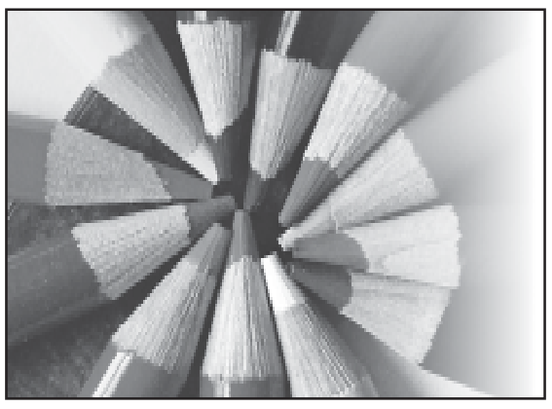

خورشید منبع نور است و نور منشاء زندگی ورنگ شروع نشاط و شادی است . از زمانی که انسان خود را شناخت رنگ را شناخت . و آشنایی با رنگ قدمت دیرینه دارد .

حتی اقوام ابتدایی اولیه نیز کلبه های محقر خود را با رنگ آمیزی خاصی آذین بندی کرده و ابزار آلات و ظروف خود را با رنگهای متنوع تزئین می کردند .

و در هنگام جنگ لباس های الوان و رنگارنگ را جهت تاثیر آن بر دشمن می پوشیدند . اینها همه خود نشانه این است که انسان از دیر باز از تاثیر رنگ در زندگی لذت برده است.

اما رنگ چیست؟

در قرن هفدهم میلادی نیو تن دانشمند بزرگ باتلاش پیگیر خود موفق گردید با تجزیه نور سفید رنگهای طیف را بدست آورد .وی کشف نمود که نور سفید شامل انواع اشعه ایست که هر گاه به طور جداگانه با شبکه چشم انسان اصابت کند احساس یک رنگ مجزا به وجود خواهد آورد.و اختلاط این اشعه ها امواج نور بر روی شبکه چشم رنگ سفید را محسوس می سازد . بنابراین کلیه رنگهای متنوع موجود در نور سفید موجود می باشد . اصولا تا نور نباشد رنگ مفهومی ندارد .

در یک فضای تاریک در شب رنگ سرخ و سبز چه مفهومی دارد؟

در سایه نور است که هویت رنگ مشخص می گردد. و به فرموده مولانا :

در درون خود بیفزا درد را
تا ببینی سرخ و سبز و زرد را
کی ببینی سبز و سرخ و بور را
تا ببینی پیش از ان سه نور را
لیک چون در رنگ کم شود هوش تو
شد ز نور آن رنگها روپوش تو
چون که شب آن رنگها مصدور بود
پس بدیدی بی درنگ از نور بود

پیشرفتهای علمی و فنی فراوانی در رابطه با شناخت با رنگ به خصوص در دو قرن اخیر نصیب انسان گردیده است.در زمینه شناسایی رنگ در تمام ابعادش واضح است که این پیشرفت ها و تهولات مختلف علوم و هنر نصیب تمدن امروزی گردیده. که همچون درخت تنومندی ریشه های آن در تمدن های کهن موجود می باشد .

گذشته از پیشرفت های حاصله در زمینه علوم اصولا" می توان گفت :

رنگ زندگی است.روشنی و نور همانا اولین پدیده های جهان آفرینش است.

رنگ ها آشکار کننده شوهر و ماهیت زندگی و جان آدمی است که از طریق آنها متظاهر می گردند .در اهمیت رنگ و اثر عمیق آن بر روی انسان هیچ تردیدی نیست زیرا که هر کدام از رنگها به تفاوت سردی و گرمی و خنثی بودن تاثیر روانی مشخصی بر روی انسان ایجاد می کنند قرمز. توجه برانگیز ترین و داغ ترین رنگهاست همچون آهن گداخته رنگ آبی رنگی است با احساس تقدس و معنویت به همین دلیل سر در مساجد و گنبدها و مراکز مقدس با طرح های اسلامی و رنگ آبی جلوه گری می نماید .

رنگ زرد رنگی نرم و ملایم است و غیره ...

بنابراین تجربه آزمایش و مشاهده رنگها نشان می دهد که اثرات آنها تنها بصری نیست بلکه جنبه های روانشناسی و نمدین نیز دارا می باشد طبیعت منبع سرشاری از رنگ های گوناگون است که همیشه الهام بخش انسن بوده و لطافت و زیبایی آنها باعث مسرت و خشنودی میباشد رویت رنگها در رابطه با طبیعت به چند عامل بستگی دارد. از جمله طبیعت اشیا و چگونگی تابش نور آفتاب و وضعیت بینایی انسان.

با توجه به این مسائل می توان رنگ حاصل از اشیا ی طبیعت را مشاهده نمود . از طبیعت که بگذریم به دنیای مصنوعی دست بشر در هنرهای ایرانی بر میخوریم در میان هنر های ایرانی نقاشی مینیاتور جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است زیرا که از نظر دو عنصر اساسی شکل و رنگ حائز اهمیت است .

مقام نقاشان ایرانی دررنگ آمیزی و طراحی و تجسم اشکال مختلف در مینیاتور والا و نفوذشان در برخی تحولات هنر مدرن بسیار چشم گیر بوده است .

رنگ در معماری اسلامی نیز یکی از خصوصیات بارز هنر بوده نحوی کاربرد آن در فضاهای مختلف معماری است .در معماری اسلامی ایران کوشش شده نه تنها قسمتهای داخلی بلکه فضاهای خارجی معماری نیز با کاشی های رنگارنگ پوشیده شود . کاربرد کاشی های رنگارنگ در روی سطوح دیوار ها و گنبد ها سبب شده تا مواد ساختمانی .سنگینی و خشونت خود را از دست داده تبدیل به سطوحی شفاف و موادی بی وزن گردند این همان احساسیست که با رویت نصیب انسان می گردد .

در پایان می توان نتیجه گیری کرد که انسان با رنگ الفت دیرینه داشته و آن را در تمامی مراحل زندگی خود به کار گرفته است.

معلمی و سهراب سپهری !

اهل آموزش و پرورشم
روزگارم بد نیست
نسبم شاید برسد به انیشتین ، نیوتون
یا ارسطاطالیس
اهل آموزش و پرورشم
کار ما نیست شناسایی آینده ی فرهنگ
کار ما شاید این است
که میان مدرسه و اداره پراکنده شویم
من
اسمم فرهنگی است
پاتوقم دفتر مدرسه است
که در آن جمع غریب
سخن از حق و حقوق نمی باید زد
تا مبادا سخنی گوش حراست برسد
اهل فرهنگستانم
شاگردانم کتابشان را وقتی می خوانند
که شده آخر ترم
گویی اهل خوابستانند
خانه ام قوطی کبریتی است که سه ، چهار تا
طفل قد و نیم قدکم ، شب همه شب بر کف خالی آن می خوابند
فکر من در پی امرار معاش
پی گرفتن قرض از رفقا
یا پی وام ز گداخانه ی آموزش و پرورش است
من نمی دانم که چرا می گویند علم بهتر است از ثروت
و چرا در کت مندرس من پولی نیست
جور دیگر باید دید
علم را باید شست ، پول را باید جست
من بدهکارم الا ای عالم ، بابت پول غذا
پول اجاره خانه
همسرم چند صباحی ست شده بازنشست
او ز ماشین خودش تاکسی ساخته است
اهل فرهنگستان آموزش و پرورشم
روزگارم بد نیست
باید یاد بگیریم که خط کشی نکنیم
یا که حق کشی نکنیم
نه خطی میان سفید و سیاه
نه خطی میان فقیر و نعیم
نه خطی که سوی مارا از آنچنانی ها جدا کند
و نه خطی میان من و تو
خط کشی نکنیم .

× لازم به یاد آوری است که سهراب هیچگاه معلم نبود و چه بهتر چون اگر سهراب معلم می شد تصورش را بکنید آن هم در روزگار بهشت آسای معلمان امروز آیامی توانست شاعر شود ؟ حاشا و کلا در این روزگار وارونه که نظام آموزش و پرورش دلسوز ، تمام هم و غمش نیازردن روح و دل جوانان است و به معلمان زحمت کش و دانش آموزان کوشا به دیده بی تفاوتی می نگرد و پاداش و اجرشان را تنها موکول به اجر و ثواب الهی می کند ، در این میدان کارزار غلبه قوی بر ضعیف و ناحق بر حق ، ریشه هر ذوق و استعداد و قریحه خدادادی باالطبع می خشکد . حال ذوق شاعری سهراب باشد یا ذوق هنری بنده حقیر که حتی تا هفت نسل بعد از من نیز خواهد خشکید .

آزاده ایران نژاد

معرفی کتاب

عنوان کتاب: چه کسی پنیر مرا برداشته است؟
نویسنده: اسینسو جانسون Espenser
مترجم: محمدریاضی
ناشر: نشر آبتین
قیمت: ۴۰۰ تومان

کتاب «چه کسی پنیر مرا برداشته است» داستانی درباره تغییر و دگرگونی است.

داستان در یک هزار توی پرپیچ و خم جایی که چهار شخصیت سرگرم کننده در جستجوی پنیر هستند، اتفاق می‌افتد. دی این کتاب پنیر استعاره‌ای است از آنچه می‌خواهیم در زندگی خود داشته باشیم؛ اعم از یک شغل خوب، روابط مناسب با دیگران، پول، خانه‌ای بزرگ، آزادی، تندرستی، قدردانی از دیگران، آرامش خاطر یا حتی ورزش مورد علاقه.

چهار شصتیت خیالی در این داستان وجود دارد. دو موش به نام «اسنیف» و «اسکاری» و دو آدم کوچولو به اسم «هیم» و «هاو». آنها بدون توجه به سن، جنس، نژاد یا ملیت بیانگر بخش ساده و بخش پیچیده وجود ما هستند. گرچه هر کدام از ما شبیه یکی از اینها رفتار می‌کنیم، اما همگی در یک موضوع وجه مشترک داریم: نیاز به پیداکردن راه صحیح در هزارتوی زندگی و موفقیت در ایجاد تغییر.

وقتی به اعمال در رفتار چهار شخصیت در داستان توجه می‌کنید، درمی‌یابید که دو موش و دو انسان، در واقع بخشی از وجود خود ما هستند (موش‌ها بخش ساده و انسان‌ها بخش پیچیده) همچنین پی می‌برید که وقتی مسایل و موضوعات دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند، انجام امور به طریق ساده و بدون پیچیدگی، برای ما مزیتی مهم خواهندداشت.

نگارگری (مینیاتور)

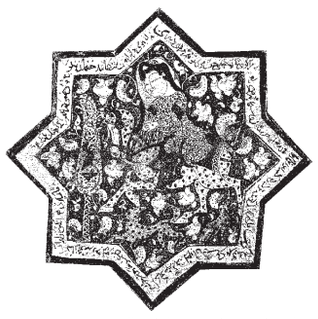

نگارگری نشانی است از حفظ اصالت و هویت نقاشی ایرانی که نشانگر هز اصیل این مرز و بوم می‌باشد. در هز نگارگری می‌توان روحیات حالات روانی و ماوراءالطبیعه را در حد کمال به نظاره نشست.

جلوه‌ی درونی و ناخودآگاه ضمیر انسانی و راز و رمزهای انسان معاصر را می‌توان با تجزیه و تحلیل نگارگری نشان داد.

درباره‌ی نگارگری به یکی از اشعار موضوع تابلوی استاد محمود فرشچیان بسنده می کنیم.

دوش صبحی تا به صبح می‌نالید
عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان محفل را
مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که ترا
بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست
مرغی تسبیح‌خوان و من خاموش

طنز

الاخطار

یاایها الذین یتفکرون فی انتخاب خرقه المعلمیه !
اجتنبوا من الخرقه المعلمیه خصوصا فی الایران .
لأن هذه الخرقه من دید الروسا و الوزراء فهی مذمومه و مکروهه.
و اصحاب هذه الخرقه کلهم الجوعان و التائب و البیچاره !و حقوقهم چندر غاز فقطا .
هم یاکلون النان البیات و نوشابتهم الزهر مار مع الاخم و التخم المدیران فی جواب سلامهم فی الصباح . و اما فی یوم المعلم و صفوهم چخ چخ المرغوب . فی بعض المدارس و فی وقت الصبحانه یاکلون المعلمون التخم الدجاجه و الچایی مع القند الحبه. مع ذلک فی الحال اکثرهم تائبون من هذه الخرقه و اجسادهم بدل بالپوست و الاستخوان .
لهذا لا تقربوا بهذه الخرقه جداً .

والسلام

جوعان : گرسنه .
تائب : توبه کننده .
الصباح : صبح .
یاکلون : می خورند .
چخ چخ : خیلی خیلی .
الدجاجه : مرغ .
لاتقربوا : نزدیک نشوید .

خطّاط

آن خطاط سه گونه خط نوشتی
یکی او خواندی ، لاغیر
یکی را هم او خواندی هم غیر
یکی نه او خواندی ، نه غیر
چه زیبا بود اگر یه گونه خط نوشته نمی شد و سه گونه رفتار و کردار متفاوت نبود . گونه اول خطاط خطی است که فقط خود می خواند چون نیت است که صاحبش از درون و نفس خود آگاه است . گونه دوم خطاط خطی است خود می خواند و هم دیگران چون سخن های خوش است که در عیان برای دیگران بیان می شود اما عملی در پی آن نیست و گونه سوم خطاط ؟ خطی است که نه خود و نه دیگران از آن هیچ نمی فهمند . نامفهوم بودنش نیز به دین سبب است .که صاحبش چیزی را پنهان می کند و در شرایط ترس و هراس مطلبی را بیان می کند که به ان معتقد نیست و قصد کتمان کردن منافع یا موضوعی را دارد ای کاش خطاط هرگز سه گونه خط نمی نوشت .

برگزیدگان کتاب سال

کتاب‌های «من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم» رمانی از «محمدرضا صفدری» و «خنده در خانه تنهایی» مجموعه داستان از «بحرام مرادی» برندگان کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات شدند.

در مراسمی که در سالن مشارکت‌های مردمی، نظامی گنجوی برپا شد، از یک عمر فعالیت جمال میرصادقی در زمینه‌ی نگارش کتاب‌های آموزش ادبیات و نوشتن داستان و رمان تقدیر شد.

رضا سیدحسینی و حسن محمودی درباره‌ی آثار زندگی میرصادقی سخرانی کردند و سپس میرصادقی با بیان این جمله که اولین بار است در مراسمی در ایران «ذوق زده» می‌شود از برپایی این مراسم تقدیر کرد.

در چهارمین دوره‌ی کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات برای نخستین بار از نقدهای چاپ شده در نشریات تخصصی ادبی و همچنین یک نفر از خبرنگاران فعال ادبیات تقدیر شد.

در بیانیه‌های هیات داوران آمده است: «متاسفانه در سال‌های اخیر برخی از نویسندگان به جای نوآوری و خلاقیت هر قدم تازه‌ای را انکار کرده‌اند و اندیشه‌ی خود را اندیشه‌ی غالب فرض کرده‌اند. درنتیجه، نویسندگان و منتقدان مطبوعات درصدد ایجاد موجی هستند که شاید روح تازه‌ای در این کالبد دمیده شود.»

پرواز با خورشید تا ترکاکلی

به مناسبت بچه‌های روستا

همیشه هر چه شنیدیم و هر چه گفته شد مسائل مربوط به بچه‌های مشهدی بوده و هست. هرازگاهی نیم نگاهی به آن سوی نگاه‌ها بس لازم به نظر می‌رسد. و باید حق مطالب ادا شود. در گرماگرم آفتاب تموز، نگاه گرسنه و حیران خویش را به جاده‌ای که می‌رسید به «ترکاکلی» دوخته بودم. با خود می‌گفتم: بر لوح غم گرفته این آسمان پیر شهر، جز ابر تیره، نقش و نگاری ندیده‌ام. من رنگ لاله و چمن از یاد برده‌ام!

آشنایم نبود و غربتش به وسعت آسمان آبی بود. فقط نامش را از او شنیده بودم. گاهی راوی حکایت تلخ دوران ناکامی خود می‌شد و یادی از مکانی که ترکاکلی نام داشت. از گتوندشوشتر باید ۲۰ کیلومتری بروی تا به ترکاکلی برسی. آرام خود را به دست جاده و سرابی که از دور به سویم آمد سپردم.

و حضورم در ترکاکلی بی‌حضوری متوالی! وسعت، مساحت و ابعادش برایم آشنا بود. و «پلاژ» رودخانه‌ای که از کوهسار تغذیه می‌کند و زادگاهش شکاف‌های سنگی کوه است. در خنکای آب دستم را می‌شویم تا وضو سازم برای ستایش.

زیرا هر جوی آبی دفتری است پر از حکایت. هر حکایتی رنجی است پر از اشک و هر اشکی اشتیاقی است پر از شور و...

همراه می‌شوم با درختان تا با زمزمه موزون این رودخانه حکایت رنج‌آور زندگی و تحصیل را به التیام اشک بشویم.

با پلاژ وداع می‌کنیم و قدم به حریم جایگاه ملکوتی و مقدس علی (ع) می‌گذارم و نماز می‌گذازم تا فرصتی دگر.

روستای ترکاکلی به صورت طایفه‌ای اداره می‌شود و از لحاظ جغرافیایی به چندین محله قابل تقسیم می‌باشد: محله بالا، محلی میانجای و محله پایین که به زبان محلی به آن دو می‌گویند و در نهایت محله دم برک.

ارتزاق این مردمان باصفا و صمیمی از طریق کشاورزی است. در این منطقه کشاورزی به دو صورت انجام می‌شود: یا زمین‌های کشاورزی به خود زارعین تعلق دارد که در این صورت بچه‌های روستا تمام وقت خود را برای کمک به خانواده کارمی‌کنند. و یا اینکه زارعین برای زمین داران، کار می‌کنند.

خیره خیره نگاهم معطوف کودکانی است که قبل از بلوغ سنی بالغ می‌شوند. به محفل نگاه این بنفشه‌ها که می‌نگرم از نسیم سبکبال‌تر می‌شوم و به خود می‌گویم: «حرمت دوست داشتن را بدار و قدمتش را در موزه‌ها جستجو نکن»

اینجا دختران و پسران عهد بسته‌اند و همراه و همدم خانواده بعضی از مشکلات را می‌پوشانند و می‌شویند عصای دست پدران و مادران را.

در این کارزار ابدی، چشم به سوی دختران روستا دوخته‌ام و پینه‌های بسته بر انگشتان ظریفشان و گیسوان حلقه در باد آنها که سایه‌های شرم در وجودم می‌اندازد. شرم از اینکه قداست دستانشان را ندارم و رقص شیشه‌های داسی شکل در بلندای آفتاب تموز رعشه بر اندامم می‌افکند.

اینان داس بر ساقه می‌زنند و تیلک می‌کنند. به هکتارها که بنگری، وسعتش حقیر است در برابر دلهاشان.

باید با صحرا همدم شد تا حرفهایم را بدانی. اینجا، معراج دوباره پیامبر را درحضور دخترکان ده ساله، بر روی زمینهای کشاورزی نظاره می‌کنی. از همه زیباتر حضور کودکان سه ساله روستا، در کنار زمین کشاورزیست که برای بازی آنها بهترین مکان محسوب می‌شود. اینان از خردسالی اخت می‌گیرند، به بوی خاک بو نم، بوی گل و تابش بی‌فرجام خورشید در بلندای آسمان نیلگون. اینجاست که هیچ تفاوتی بین دختران و پسران نیست همه آفریننده اویند. همه کار می‌کنند و خود را به جویبار زندگی سپرده‌اند تا، حقیقت زنده بودن و زندگی کردن را دریابند. آنان خانه و مدرسه‌ای یکسان دارند که کاشت، داشت و برداشت نتیجه آن است. و روز موعودی که برایشان تقدیر شده و سوار بر اسب سفید به خانه بخت می‌روند و شروع دوباره تلاش و کوششی دوچندان.

اینجا پسران زود مرد می‌شوند و دختران زود زن .

در بازگشت از ترکاکلی، به بلندای کوه که می‌نگرم عظمت تمامی رسمهای روستا را درمی‌یابم و به خاطر می‌سپارم.

تجسمی مبهم؛ اشکی بر جا مانده در گذرگاه تاریخ کشور ما!

جایی که کوه، آب و غیرت ایل بختیاری در می‌آمیزد. زاگرس، کوهرنگ، دشت سوسن، هفت شهیدان و آوای طنین‌افکن «هل هونکی»، میعادی است برای پیوند با باران.

اینجا، همه چیز نشان از پاکی، صداقت و عطوفت دارد. اینجا هنوز هم می‌توان قداست گندم و بوی باران را باور داشت.

خداوندگار یارتان باد

بهاره خاکساری

«انتشار نخستین فرهنگ‌نامه فارسی ویژه‌ی دانش‌آموزان»

تدوین نخستین فرهنگ‌نامه‌ی فارسی ویژه‌ی دانش‌آموزان دوره دبیرستانی با روش علمی-پژوهشی به پایان رسید و به زودی از سوی انتشارات فرهنگ معاصر روانه‌ی بازار نشر خواهدشد.

دکتر غلامحسین صدری افشار یکی از سه مولف این فرهنگ و از فرهنگ پژوهان شناخته شده کشور گفت: فرهنگ‌های فارسی به فارسی که تا به امروز موجود بود عمدتا به کار عموم علاقمندان می‌آمد و فرهنگی که ویژه دانش‌آموزان دبیرستان باشد و بتواند لغات و اصطلاحات این گروه سنی را به شکل روشمند و علمی برای آنان معنا کند منتشر نشده بود، لذا من به اتفاق خانم‌ها نسرین و نسترن حکمی با گزینش چهار هزار مدخل ادبی-هنری، علمی و تاریخی سعی کرده‌ایم این خلا را جبران کنیم.

اصلاحات در آموزش و پرورش بدون مشارکت افکار عمومی معلمان عقیم می ماند

افکار عمومی واژه ای است که از قرنها پیش مورد استفاده قرار می گرفته است .

بررسی تاریخی واژه " افکار عمومی" نشان می دهد که چیزی است معادل اراده مردم ، احساسات وام ، عقاید مردم و کوچه بازار ، روح میهنی ، باوراه و اعتقادات مردم ، حمایت عامه ، خواست عمومی و غیره که متضمن اهداف و غایتهایی است که بیانگر تمایل وعدم تمایل آرزوها و امیدها است .

معلمان وجدان نقاد جامعه به حساب می آیند ، وظیفه آنها برخورد نقادانه با مسائل اجتماعی و فرهنگی است که با چشم باز ، وجدان آگاه ، کج رویها را به شهروندان و دولتمردان گوشزد می کنند . در بنای اصلاحات در آموزش و پرورش بی توجهی به اندیشه و تفکر معلمان سبب می شود این بنا کج یا بدون مقاومت شود . اگر بخواهیم کنش یا واکنش عمیق در بین معلمان در نظر بگیریم .

سخنرانیها ، بحث های آزاد بر پا شود یا نقطه نظر گروه خاصی تبلیغ نشود .

بر دست اندرکاران آموزش و پرورش لازم است رودررو به پرسش و پاسخ آنها جواب دهند تا پیشنهادات و طرحها مورد نقادی قرار گیرد .

اختلاف نظرها و یا تعارض افکار معلمان به حرکت درآید .

نباید با آزادیها ، عقاید ، داوریها و انتقادات معلمان مخالفت کرد ؛ تا تبادل آزاد و بیان افکار شکل گیرد .

مشخص است که این روش تساهل در بحث و گفتگو و تحمل مخالفت خوانی در جریان مسائل و مشکلات آموزش و پرورش است .

شعار تساهل و تسامح و گفتگو و انتقاد آزاد را مسئولین اصلاح طلب آموزش و پرورش در دستور کار خود قرار می دهند و با وجود امکانات رسانه ای ، تبلیغی و مجله نگاه آموزش و پرورش ، روابط عمومی ، کارشناسان و متخصصان متاسفانه به شیوه های ارعاب و تحت فشارقرار دادن این شکل های فرهنگیان مبادرت می ورزند .

آیا این با سیاست و روش های آقایان هم خوانی دارد ؟

چگونه است وزیر محترم در چهارمین جشنواره جوان خوارزمی اعلام می کند (سرکوب سوالات ، افکار دانش آموزان را زیر زمینی می کند) (روزنامه صدای عدالت ۸۱/۹/۲۳)

آیا نادیده گرفتن انتقادات و اظهارنظرهای تشکل های صنفی آنها را به سمت زیر زمینی شدن نمی کشاند ؟

ما در دورانی زندگی می کنیم که وجه مشخص آن تلاش در متقاعد ساختن همگامی است ؟

هر بار رادیو تلویزیون را روشن می کنیم ، و هر بار کتاب ، مجله ، روزنامه را می گشاییم کسی می خواهد ما را آموزش دهد یا ما را متقاعد سازد .

پس چگونه است / وزیر محترم در کنار خود متخصصان ارتباطات را دارد ولی از روشهای فوق استفاده می کند . برای شکل گیری افکار معلمان ، عوامل اجتماعی و فرهنگی و محیط پیرامون آنها مورد توجه قرار نمی دهد .

اگر معلمان استنباط کنند که امنیت شان به خطر افتاده نسبت به آن واکنش نشان می دهند ، و حوادث را در ذهن خود طبقه بندی می کنند و آنها را متناسب با شخصیت خود در می آورند و در یک نظام کلی آنها را در تصورات خود جای دهند . غالبا ما کسی را بیشتر دوست داریم که باورها و نگرشهای آنان با ما یکسان باشد .

علاوه برشخصیت ، سطح اقتصادی اجتماعی ، سن و پایگاه اجتماعی و چیزها ی مشابه آنها نیز نسبت به ما اثر گذار می باشد . مسئولین آموزش و پرورش به درد مشترک معلمان برسند تا بتوانند انها را جذب کنند در صورتی که در نقطه مقابل آنها بایستند آنها ما را دوست نخواهند داشت . با ید مسئولین آموزش و پرورش شناخت درستی از فرهنگ ، آداب و رسوم و چگونگی کردار و رفتار و راه ورسم زندگی معلمان را بشناسند تا بتوانند آنها را هضم کنند .اگر آموزش و پرورش را یک خانواده بزرگ در نظر بگیریم که دانش آموزان محصولات آن هستند ، که انتظار دانش و تربی ایدهآل را داشته باشد . آیا این خانواده بسامان است؟

آیا از یک نهاد یا خانواده نابسامان انتظار تربیت و پرورش را داشتن خوش خیالی نیست ؟ ابتدا باید مشلات آموزش و پرورش را شناخت و برطرف نمود .

پس بایک عزم ملی و بدون کم و کاست به حل و فصل مشکلات پرداخت . باید تکریم معلم در عمل ، نه در شعار در اس امور فرهنگی جامعه قرار گیرد .

به ق.ل آقای محمود سریع القلم در مقاله ی تحولات آینده ی ایران به جابه جایی نسلها همراه خواهد بود .

۸۱/۱/۱ روزنامه صدای عدالت) می گوید " معتقدم که بزرگترین خدمتی که آقای خاتمی می توانست برای ایران و مردم ایران و فرهنگ ایرانی داشته باشد ، این بود که ایشان عمده وقت خود را برای آموزش و پرورش می گذاشت ."

مسئولین آموزش و پرورش چون ار موقعیت مطلوب و مطمئنی برخوردارند طالب وضع موجود هستند ؛ از تحول وحشت دارند و به افکار ضعف و ناامیدی آموزش و پرورش می پردازند برای آنها قابل قبول نیست که فعل و انفعالات و مناسبات جهانی تغییر کرده است . چشمهایشان را بر روی واقعیت ها می بندند . ما نتوانستیم در آموزش و پرورش سیستمی درست کنیم تا انسانهای خلاق و متکی به خود بسازیم .

کار مهم و اصلاحی آموزش و پرورش به سمت سیستم رفتن ایت تا معلمان خودشان را با این سیستم وفق دهند . در این سیستم منافع فردی کم می شود و اهداف جمعی جایگزین آن می شود ؛ مسئولین آموزش و پرورش ، جامعه آموزش و پرورش را مدیریت می کنند . نه کنترل و گر نه آزار دهنده خواهد بود . حوزه آموزش و پرورش حوزه استدلال است تا بتوانیم مسائل معلمان را حل کنیم .

آنها دوست دارندکسانی با آنها مشورت کنند که جزء قبیله ی آنها باشد و آداب و رسوم آنها را رعایت کنند و خود را با آن جهت گیری وفق دهند و به حلقه های سیاسی آنها وصل شوند افرادی مشورت می کنن که برای مسئولین آموزش و پرورش شناخته شده باشند و به ویژگیهای شخصی کار دارند . تخصص آنها مطرح نیست نه اینکه چقدر روی مسائل آموزش و پرورش تحقیق کرده اند . تولید اندیشه مهم نیست . آشنایی شخص مهم نیست .

دست اندرکاران آموزش و پرورش در جهت اصلاح عمل کرد خود تلاش کمتر ، روحیه ، انگیزه معلمان ، میزان رضایت معلمان به عنوان یک ابزار تشخیص و معیار است . که آنها را کشف کنند و مسائل زیستی ، سلامتی و اجتماعی آنها نیازمند احترام به رسمیت شناختن شناختن و جایگاه و منزلت خود هستند .سختی جذب و نگه داشتن جذب و نگه داشتن معلمان در نظام آموزش موثر است زیرا باعث کاهش سستی در کار می شود و باعث علاقه مندی می شود . هنگامی که هدف افزایش کارایی باشد . از طریق ارضای نیازهای معلمان تحقق می یابد .

و در تقویت ساختن روابط میان مسئولین و معلمان نقش بسزایی دارد . زمانی می توانند در رفتار و نگرش معلمان تاثیر بگذارند که قادر باشند اطلاعاتی را به آنها منتقل کرده اند و برای ارضای نیازها و خواسته های آنها تلاش کنند و حقایق معقول به آنها ارائه دهند و واقعیتها را ملاحظه کنند .

محمد خاکساری
عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران

ن والقل
گفتگوی معلم با قلم

قلم چه زیبا واژه ای است که از خزانه ی غیب به انسان هدیه می شود . چه گران عنصری که ریشه در خاک و سر بر افلاک دارد ، وه چه زیبا هدیه ای حضرت باری به بشر ارزانی داشته است که با سیاهی رنگش چشمان عشاق معرفت و دانستن را به تماشا می خواند . با سیاه کردن صفحات سفید چنان هستی را به تصویر می کشد که چون دارویی شفا بخش ، تشنگان دانش را سرمست غرور از آگاهی نموده و آدمی را از احساس پوچی به ملکوت دانایی عروج می دهد .

ای قلم ، ای توانمندترین ، ای تیزترین عنصر جراحی ، ای برنده تر ین سلاح ، ای اصلاح گر ، ای معشوق من تو چه ای ؟ و تو که ای ؟ که خدایم بر تو قسم یاد می کند !ای آشنای تنها ، ای قریب غربت دستانی که همیشه با منی ولی من بی توام . درد نا آگاهی و درد بی دانشی مجال شناخت را از من گرفته ، تو خود رخ نما و سینه ی خود را چاک دار تا اسرار نهفته درونت را باز شناسم و بارها و بارها رمز و رموز هستی ات را با دقت تمام بخوانم و بخوانم وبخوانم ... تا شاید گمشده ام را در تو یابم ، چگونه است عظمت تو نزد خالق که ، نور را ، دانش را ، عشق را ، یافتن را ، گفتن را و درست رفتن را بوسیله نوری که از رنگ سیاه تو ساطع می شود می توان جست ؟

ای دوست همیشگی من چنان زبان به گفتن بگشای و چنان ترسیم کن که گوش جانم به نیوشیدن و چشم دلم حریصانه محو تماشا گردد . چنان در امواج حقیقت بگردان که هیچ گردابی دگر حریف ربودنم نباشد . ای خاموش گویا چنان فریاد سرکش ، که غافلان را هوشیار و هوشیاران را مستی هستی شناسی عطا کنی . ای که نور از سیاهی رنگت معنا می گیرد پرتو عشق خوب گفتن را ، چگونه زیستن را بر وجود آدمیان بتابان تا انسانیت خفته و خسته از رکود و نادانی بهوش آید .

ای معشوق من تو کیستی که بزرگترین نقاشان بی تو هیچ اند و گردن فرازترین اندیشمندان با نبود تو علم نهفته در سینه خویش را در قبر دفن کنند . اگر تو نبودی آیا گنجینه های عالم هستی در سینه های پر سوز و گداز بزرگان طریق معرفت ، چشمان تیز بین عاشقان وادی سرگردانی را به خواندن ، می خواند ، اگر تو نبودی گمشدگان هفت شهر عشق عطار چگونه ره می یافتند ؟ آیا دلباختگان مولانا ، طی طریق عشق رادرپهنه ی هزار را سیر و سلوک ممکن بود ؟ مستان بهوش حافظ شناسان را چه تکلیف بود ؟

ای زیباترین عنصر هستی چنانت یافتم که اگر نبودی هیچ اثری از هستی انسان معنی نمی یافت . تاریخم ، هنرم ، علمم ، فرهنگم با وجود تو تداوم یافته است ، چنانت عزیز می دارم که بی تو من هیچم و با منم !که به درد دل می نشینم هر کس ترا در دست می گیرد ، با تو سخن می گوید خواه ترا شناخته باشد و خواه نشناخته ، آه از وقتی که با تو حکم قتلی نوشته می شود ، که با تو نارواییی ترسیم می گردد آنگاه که بر تو اجحاف می شود و نقشی ناموزون و تحریف شده در تاریخ ملتی حکاکی می گردد .

چه زیباست ، آنگاه که حقایق تاریخی یک ملت را با دستان توانمندی به رشته تحریر در می آوری و آن زمانی است که وجود تو موجب مباهات است هر چند که جنایات گروهی را بر ملتی ستم دیده نقاشی نمایی و آن وقتی است که خون سیاهرنگ چکیده از قلب مجروح تو با خونهای رنگین و زیبای حق جویان تاریخ در هم آمیخته و در منظر دیدگان انسانیت در تماشاگه تاریخ به زیباترین وجه ممکن متجلی می گردد .

و اما ای قلم ای دوست دیرین من ! چه شکوهمند است وقتی بین انگشتان توانمند معلمی قرار می گیری تا حقایق پوشیده ی هستی با دستان پر تلاش او با شیواترین واژه های کمال ، صداقت ، راستی و امانت داری ترسیم می شود . ای قلم ، ای همنشین ، ای تنها یاری دهنده از تو استعانت می جویم و ترا تنها به اوی تنها که بر تو قسم می خورد ، سوگند می دهم که خطی جز حقیقت ننویسی و نقشی جز زیبایی و دانایی نکشی ، چه پای باطن چون عصای چوبین است که هر آن ممکن است بشکند ، درستی و صداقت را ترسیم کن تا جویندگان پاکی را به صراحت و آسانی در طی طریق رستگاری راهبری کنی . ای قلم ، ای معلم ، ای قلم ، ای معلم ، ای آنکه چگونه قلم گرفتن و چگونه نوشتن را می آموزی قلم بر دست گیر و آنرا چنان بر صحنه کاغذ روانه کن که فریادش همچون زخمه های ساز عشق نوای درست زیستن را به دانش آموزی که تشنه ی شنیدن حقیقت و دیدن راه چگونه زیستن است بیاموزد .

ای قلم تو فریاد سرکن و همچون نیشتری تیز با اندک نیزه گونت غده های چرکین دل این معلم را بشکاف تا غم نداشتن و بی مهری جامعه از خویشتن خویش دور نسازد .

ای قلم بر من چنان نهیب زن تا مبادا کسانی که رندانه در قالب حقیقتجویی حقوق مادی و اجتماعی مشروع و بحق من معلم را در لوای شعارهای فریبنده پایمال می کنند ، مرا از کسوت معلمی خارج نماید .

ای قلم به من بیاموز تا در هنگامه حق کشی با حفظ حرمت معلمی حق خود را بستانم ، مرا هشدار ، که مبادا بدلیل پایمال شدن حقوق اجتماعی و مادیم حق دانش آموزی را پایمال کنم که من باید آموزنده ی حق باشم .

" منصوری" دبیر فیزیک دبیرستانهای تهران

نظام حقوقی جدید معلمان براساس رتبه‌بندی تنظیم می‌شود

گروه اجتماعی: براساس نظام حقوقی جدید، معلمان در پایه‌های مختلف «آموزگار»، «دبیر»، «ارشد» و «مدارس»، درجه‌بندی و طبق آن نظام حقوقی نیز تنظیم می‌شود.

شهاب‌الدین غندالی معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش با بیان این که در حال حاضر حقوق معلمان از نظام درستی برخوردار نسیت، افزود: به همین دلیل تفاوت حقوقی چندان میان معلمان با سنوات خدمات بیشتر و افراد کم سابقه وجود ندارد. وی تصریح کرد: براساس اعلام دولت تا پایان آبان ماه سال جاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و آموزش و پرورش باید جدول نظام حقوقی معلمان را ارائه کنند. غندالی با تاکید بر اینکه تدوین نظام حقوقی جدید به معنای افزایش حقوق نیست، افزود: براساس این طرح معلمان درجه‌بندی می‌شوند و افزایش فوق‌العاده جذب آنان نیز متفاوت خواهدبود و سنوات خدمت آنان نیز در هنگام پرداخت حقوق در نظر گرفته می‌شود. غندالی با اشاره به اینکه تدوین نظارم حقوقی جدید براساس رتبه‌بندی معلمان موجب معناداری و منطقی شدن تفاوت و فاصله‌های حقوقی می‌شود، افزود: افزایش فوق‌العاده

جذب پایه‌های بالاتر و تفاوت معنادار در رتبه‌های مختلف موجب افزایش انگیزه معلمان برای پیشرفت علمی و کسب رتبه بالاتر می‌شود؛ به عنوان مثال معلم در سطح دبیری برای دستیابی به رتبه مهندسی تلاش می‌کند.

وی در پایان گفت: معلمان برای دستیابی به رتبه‌های بالاتر حتی می‌توانند روشهای تدریس نوین و یا مقاله‌های علمی ارائه کنند.

"انتصاب به شیوه انتخاب"

خرداد ماه هر سال آخرین ماه تحصیلی در کشور است . دانش آموزان منتظر نتیجه ی آزمون های خود می شوند . آما هوز نتایج آزمون ها و میزان بازدهی کار معلم مشخص نشده است ، که برگه ی ارزشیابی معلم توسط مدیر داده می شود .

سال های قبل در پایان شهریور ماه این ارزشیابی ارائه می شد و طبق ضوابط باید راندمان کار معلم و ایجاد خلاقیت و پژوهش و نو آوری معلم مورد نظر قرار می گرفت .

معلمان همواره از عدم توجه مدیران به بازده کار معلم و حاکم بودن روابط بر ضوابط ناراضی هستند . ولی از زمانی که با همین روش مدیرانی پا به مدارس گذاشتند ، در پیرامون خود فضایی از تملق و چابلوسی ایجاد نمودند و معلمانی را که در این فضا نمی توانند کار کنند ، در اختیار اداره قرار می دهند .

معلمان به مسئولین مقاطع مراجعه می کنند و از هموار نبودن بستر تعلیم و تربیت توسط نیروی ستادی گله می کنند . اما از ایشان سخنانی را می شنوند که حمایتشان از مدیر و جبهه گیری در برابر معلم را نشان می دهد .

معلم باسابقه و کارآمد که درآزمون های نهایی نتیجه ی عالی به دست آورده به جرم پیروی نکردن از شیوه ی تملق و چابلوسی و صرفا به دلیل بیان انتقاد و ساکت نبودن در شوراها ، با اتهام واهی "برهم زننده ی جو مدرسه" در اختیار اداره قرار می گیرد . کارشناس به اصطلاح آموزشی یا بازرس به بررسی مسئله نمی پردازد . معلم در طول تابستان به جای تمدد اعصاب ، اتاق های اداره را سر می زند و بی نتیجه و با اعصابی خرد روانه می شود .

سال تحصیلی در حالی آغاز می شود که در بسیاری از مناطق ، رقم معلمان مازاد به شیوه ی فوق ، گاه ارقام بالایی می شود . سپس نیروی انتقالی نیزبه آن اضافه می شوند . ضابطه بر این است که بر مبنای نیاز منطقه ، نیروی ورودی و خروجی منظور گردد . ولی رابطه این معادله را بر هم می زند و نیروی انتقالی نیز باید خود دنبال جایی بگردد تا مدیر مدرسه ای او را بپذیرد . و این یعنی احترام به معلم !!اما متاسفانه برخی مدیران (چه اداری و چه مدیران مدارس) از دوستان و آشنایان خویش به عنوان نیروی حق التدریس استفاده می کنند و دانش آموزان به جای بهره گیری از معلمان رسمی و با سابقه و کار آمد مجبورند به تدریس دانشجوی سال اول یا دوم تن دهند . برخی از این نیروها حتی نامشان در جایی ذکر نمی شود !زیرا در لیست کامپیوتری نام برخی از مدیران یا معاونان است تا از امتیاز تدریس در حین مدیریت یا معاونت استفاده کنند ، سپس نیروی حق التدریس را به جای خود به کلاس می فرستند و این در حالی است که برخی ادارات آموزش و پرورش خود در جریان این امر قرار دارند .

این سوء مدیریت نه تنها موجب افت تحصیلی دانش آموزان می گردد بلکه سبب به هدر رفتن منابع مالی و انسانی فراوان می شود . این مسائل سال هاست که تکرار می شود و دریغ از نظارت و بازرسی که جلوی این روند را بگیرد .

باوجود اعتراض گسترده ی معلمان نسبت به عدم توجه به شأن و مقام معلم و امنیت شغلی و احترام به مصالح جامعه که همان تعلیم و تربیت صحیح دانش آموزان می باشد ، مسئله ی "انتخاب مدیران توسط معلمان" متاسفانه به صورت فرمایشی و فرمالیته از سوی برخی مناطق آموزش و پرورش اجرا شد و باز همان مدیران "انتصابی" با صحنه سازی "انتخابی" غسل تعمید شدند و سر جای خود ماندند !! یعنی "هیاهوی بسیار برای هیچ" !!

چه کسی در آموزش و پرورش بیش از معلمان غم دانش آموز و تربیت و مصلحت او را می خورد ؟ معلمان در برخی مدارس شاهد برخوردهای دوگانه و نامتعادلی هستند که نتیجه ی آن جز فروپاشی ارزش های انسانی و اخلاقی جامعه نیست .

معلمان در تحصیلات دانشگاهی خو آموخته اند که هدف اساسی تربیت باید آن باشد که در افراد حس احترام به حقوق خود و دیگران ، عدالت خواهی و تنفر از زور ، مسئولیت اجتماعی و وظیفه شناسی ، همکاری و زیستن با دیگران در صلح و صفا تقویت شود . بنابر این نمی توانند شاهد برخوردهای ناهنجار برخی مدیران با معلمان و دانش آموزان باشند و از عواقب و تاثیر آن در تربیت نگران نباشند و انتقاد نکنند . زیرا :

چو می بینی که نابینا و چاه است
اگر خاموش بنشینی گناه است

معلمان به جرم اعتراض به این نوع مسائل همواره هزینه هائی را متحمل شده اند

افسوس که با خنثی نمودن طرح پیشنهادی معلمان یعنی "انتخاب مدیر توسط معلمان" باز باید شاهد آزمون و خطای دیگری باشیم . در حالیکه رفتارهای اجتماعی در دو دهه اخیر گواه خطای آموزش و پرورش است .

ثریا دارابی

نعل وارونه

ضرب‌المثلهای قدیمی گاهی برای درک یک مفهوم بسیار مفید واقع می‌شوند. به نظر می‌رسد توضیح کاربرد این ضرب‌المثل برای شما خواننده فرهیخته ضرورتی ندارد بنابراین اصل مطلب را مطرح می‌کنم:

اخیرا در بخشنامه‌ای که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به سازمان‌های آموزش و پرورش و مناطق ارسال گردیده است برای معلمانی که ۱۷۶ ساعت آموزش ضمن خدمت دیده باشند امتیاز تعجیل در گروه و یا یکماه حقوق و مزایا در نظر گرفته شده است.

دراین میان شرایطی که برای برخورداری از این امتیاز عنوان گردیده جالب و تعجب برانگیز است.

۱- فاصله اخذ گروه استحقاقی فقط یک سال می‌باشد.

۲- شروع دوره آموزشی از ۸۱/۱/۲۶ می‌باشد بنابراین گواهی آموزشهای قبل از تاریخ یادشده محاسبه نخواهد شد.

۳- ۱۰۶ ساعت از آموزش‌های مذکور تخصصی و ۷۱ ساعت آن آموزش عمومی و تربیتی باشد (که البته جمع ساعت فوق ۱۷۷ ساعت می‌شود)

اینکه چند درصد کارکنان یک منطقه واقعا شرایط مذکور را دارند سوالی است که پاسخ آن را به شما خواننده محترم واگذار می‌کنم اما یادآوری می‌کنم که با مرور چندین و چندباره شرایط فوق به این نتیجه منطقی می‌رسیم که امتیاز فوق بیشتر جنبه صوری و تبلیغی دارد و قرار نیست به درصد قابل قبولی از کارکنان داده شود چون در فاصله زمانی ۸۱/۱/۲۶ به بعد تاکنون شاید تعداد بسیار ناچیزی چنین میزان آموزشهایی را دیده باشند که البته آن هم نشان از شرایط ویژه دارد!

پیشکسوت گرامی

با عرض سلام و احترام

حالا که به همت عده‌ای از همکاران انتشار شعار هفته‌نامه قلم معلم صادر گردید، و هم اکنون فرصت مناسبتری برای خدمتگزاری به فرهنگ و فرهنگیان عزیز و بخصوص شما پیشکسوت گرامی فراهم شده است، تقاضا داریم با فرستادن خاطرات و تجربیات و هرگونه نظر که شایسته چاپ در نشریه‌تان باشد ما را یاری فرمایید.

بی صبرانه منتظر دریافت نظرات و پیشنهادهای شما در زمینه‌های گوناگون اعم از فرهنگی اجتماعی، هنری و غیره هستیم.

مجددا لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را از محبتی که می‌فرمایید حضورتان تقدیم نماییم.

لازم به تذکر است که قلم معلم متعلق به فرهنگیان از صدر تا ذیل می‌باشد.

قلم معلم

بخشش عطا به لقا

شخصی را ضرورتی پیش آمد کسی گفتش به نزد فلان رو که نعمتی دارد بی حساب... نزد فلان شخص رفت یکی را دید لب فرو هشته و تند نشسته. برگشت و سخن نگفت. کسی گفتش چه کردی ؟ گفت عطای او را به لقایش بخشیدم .

در خبری که از قول مدیر کل دفتر طرح و برنامه آموزش و پرورش در نشریه ی "قلم معلم" آمده بود . حکایت از آن داشت که(۵۰ هزار نفر از معلمان درخواست بازنشستگی کرده اند ، و با ۳۰ هزار نفر موافقت می شود). ضمنا اغلب ایشان را معلمان باسابقه اعلام نمودند و فرمودند عدم موافقت با تقاضای ایشان انگیزه ادامه تدریس را از دست می دهند و این امر یقینا در کیفیت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است .

بسیاری از پدران و مادران در همان روز اولی که فرزند خود را به دبستان می برند با خواهش و تمنا از مدیر مدرسه می خواهند که فرزندشان را در کلاس معلم باسابقه تر قرار دهد .در راهنمایی و دبیرستان نیز از سابقه کار معلمان سراغ می گیرند تا مطمئن شوند فرزندشان خوب تحصیل خواهد کرد . اما آن سوی سکه چیز دیگریست . معلمین باسابقه وکارآمد نمی توانند کاستیهای امورآموزشی و تربیتی مدرسه را ببینند و رسالت معلمیشان به ایشان اجازه نمی دهد که باسرنوشت فرزندان مردم که بصورت امانت به آنها سپرده شده است بازی شود و ایشان بعنوان معلم شاهد باشند و سکوت کنند !!

معلم باوجود مدرک بالای تحصیلی از بسیاری از کارکنان دولت حقوقش کمتر است اما آنچه اورا تاکنون در این شغل استوار نگه داشته است شأن اجتماعی و مقام معنوی اوست .اگر قرار باشد معلمی به خواسته های نامشروع نظیر نمره دادن ، سئوال دادن ، حق را ناحق نمودن و تملق و چابلوسی مدیر تن دهد دییگر معلم نیست . بنابراین باوجودیکه با بهترین دوران زندگی همه انسان ها ، یعنی کودکی ، نوجوانی و جوانی سر و کار دارد و رابطه عاطفی و مقدس شاگردی معلمی موجب پرواز روح او به کلاس درس بوده است ، مجبور می شود برای حفظ شرافت انسانی خود که سالها آن را چون دژی استوار حفظ نموده ، تن به بازنشستگی پیش از موعد دهد .

مگر معلم به حقوق کم دوران شاغل بودن خود اعتراض نداشت ؟ پس چرا حاضر می شود با بازنشستگی پیش از موعد مشکلات مالیش بیشتر شود ؟! آیا کارشناسان حوزه ستادی آموزش و پرورش که وظیفه‌ی هموار نمودن بستر تعلیم و تربیت را بر عهده دارند و از امکاناتی فوق تصور معلمان استفاده می کنند و برخی از ایشان حتی پس از ۳۰ سال خدمت ، مجددا به خدمت دعوت می شوند ! تا کنون از خود پرسیده اند چرا ؟! چرا دانش آموزان باید از داشتن معلمان باتجربه محروم شوند ؟ این چه معادله مجهولی است ؟ چرا دردها را تشخیص نمی دهیم و اراده‌ای برای درمان دردها نداریم؟

در کتاب "ژاپن و ریشه ها" که اتفاقا حاصل سفر تحقیقی وزارت آموزش و پرورش به ژاپن است . افتخار کشور ژاپن در امر آموزش و پرورش تکیه بر معلمان با سابقه است . اما همین آموزش و پرورش ما چه آسان و ساده سرمایه های عظیم انسانی و معنوی را فقط جهت کم نمودن میزان اعتراضات معلمین که پیگیر مطالبات منزلتی معیشتی هستند ، به افتخار بازنشستگی زودرس نایل می فرماید!! و به جای حل مسأله ، صورت مسأله را پاک می کند !!

ش - ن

قلم معلم

سرمشق زندگیست

www.moalleman.com

مصاحبه اختصاصی قلم معلم با آقای غندالی معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش

ماه مبارک رمضان و روز دانش آموز را گرامی می داریم

هفته‌نامه اجتماعی، سیاسی ، فرهنگی | سه‌شنبه ۱۳ آبان ۸۲ - سال اول - شماره ۲ | ۸صفحه | قیمت ۱۰۰ تومان

معلمان در انتظار تصمیم سازمان مدیریت و برنامه ریزی در ۱۵ آبان

مرتضی حاجی: فاصله بین دریافتیهای کارکنان آموزش و پرورش با دیگر وزارتخانه‌ها از بین می‌رود.
یک مقام آگاه در سازمان مدیریت: به این زودیها طرح نظام هماهنگ پرداخت تصویب نخواهد شد.
غندالی: طرح نظام حقوقی معلمان ۱۵ آبان توسط آقای حاجی به هیأت دولت تقدیم می‌شود.
تشکلهای صنفی فرهنگیان: تحصن نمایندگان تشکلها در روز ۱۷ آبان مقابل سازمان مدیریت قطعی است.

صفحه ۸

آموزش و پرورش

دبیر کل کانون صنفی معلمان در گفتگو با خبرگزاری مهر
ماده ۸۸ نمی‌تواند معضلی از آموزش پرورش را حل کند

صفحه۲

اجتماعی

طی ۲۴ سال گذشته حقوق کارکنان دولت نصف شده است

صفحه ۴

مصاحبه و گزارش

گزارشی از اعتراضات صنفی معلمان از ۸۰/۱۰/۲۵ تا ۸۲/۸/۱۳

صفحه ۸

فرهنگیان

اصلاحات در آموزش و پرورش بدون مشارکت افکار عمومی معلمان عقیم می ماند

صفحه ۶

فرهنگیان

ساختار آموزشی فرانسه

صفحه۳

اندیشه

دموکراسی نام نوعی اداره جامعه

صفحه ۵

ادب و هنر

پرواز با خورشید

صفحه ۷

سرمقاله

درد مشترک

زمانی که همکاران صحبت می‌کنند همواره افکار و تمایلات خود را آشکار می‌سازند. گوش سپردن به صبت‌های آنان موجب همدلی و همراهی با آنان می‌شود.

باعث می‌شود عواطف و احساسات و دردهای خود را شناسایی کرده و به یک درد مشترک و احساس مشترک برسیم.

خود را به جای همکار قرار دهیم که با مشکلات اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند و نیاز به حمایت دارد. رابطه ما موقعی می‌تواند موثر باشد که در یک فضای حماتیگرانه شکل گرفته باشد. اگر این ارتباط در یک فضای توام با هراس و تهدید باشد دوام نمی‌آورد.

وقتی می‌توانیم به تفاهم و هدف مشترک برسیم که فضای حاکم، فضایی مبتنی بر تساوری باشد. یعنی تساوی در شخصیت مورد توجه قرار گیرد و به نقاط مشترک که نوعی تساوی است برسیم. این احساس را داشته باشیم که هر دو انسان هستیم و درد مشترک داریم. اگر ما توانایی همدلی را با همکاران بیابیم بی‌شک در وضعیتی خواهیم بود که آنان را درک کنیم و دریابیم که مشکلات آنها از کجاست؟ و در چه وضعیتی قرار گرفته‌اند.

ما نمی‌توانیم به احساس فقر و نابسامانی ظریف و پیچیده همکار دسترسی پیدا کنیم مگر آنکه احساس او را دریابیم و آن را تجربه کنیم که این ما را قادر می‌سازد که بتوانیم همکار خود را از نظر عاطفی و انسانی دریابیم و ارتباط با او داشته باشیم.

این کار میسر نمی‌شود مگر تلاش کنیم در تشکل‌های صنفی متشکل شویم تا با همفکری و هم‌اندیشی به راهبردهای منطقی برسیم تا بتوانیم مشکلات و خواسته‌های خود را به گوش مسئولان برسانیم.

روحیه مشترک جویی، نشان دهنده مسئولیت ما، در برابر سرنوشت جامعه است. تداوم زندگی اجتماعی بدون مشارکت اجتماعی میسر نیست.

یکی از عناصر مهم این مشارکت داشتن اعتماد به یکدیگر است زیرا که اعتماد یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی معلمان است و به عنوان یکی مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اقتصادی، روان‌شناسی، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

سرمایه اجتماعی باعث حرکت موفقیت‌آمیز تشکل‌های صنفی در رسیدن به خواسته‌ها و مطالبات، اهداف مشترک و درد مشترک ما می‌گردد.

به امید آن روز

کانون فرهنگیان استان اصفهان

بی روی تو خورشید جهان سوز مباد
هم بی تو چراغ عالم افروز مباد
با وصل تو کس چو من بد آموز مباد
روزی که تورانبینم آنروز مباد

ما آن شقایقیم که باداغ سینه سوز جامی گرفته ایم و به صحرا نشسته ایم اینک جمعی هستیم که از میان شما برخاسته ایم و می خواهیم هر آنچه را که در راه رسیدن به اهداف بلندمان سد راه شده است از میان برداریم . سالها بی هیچ منتی قانع ، عمر گرانمایه را وقف ایران و ایرانی نموده ایم . قد خم کردیم اما سر خم نکردیم ، ایستادیم تابلندای واژه هارا تفسیر کنیم ، تا حدیث پایداری و مقاومت در برابر مشکلات را به تصویر کشیم تا چون گیاهی خود رو و خود بو قد برافرازیم چراکه "آفتاب به گیاهی حرارت می دهد که سر از خاک بیرون آورده باشد" و ما سر برآوردیم یکی شدیم ، آفتاب امید تابید و تابید تا اینکه قدمی بزرگ برداشتیم "گرچه هر قدم بزرگ ابتدا محال به نظر می رسد " تردید نکردیم ، پس پیروز شدیم .

هم اکنون میلیونها نفر زندگیشان را با نوای فردا هماهنگ کرده‌اند زیرا در عصری که زندگی می کنیم تمدنی نوین در حال تکوین است .طلیعه ی این تمدن نوین تنها واقعیت تکان دهنده دوران ماست بنابراین مسئولیت ایجاد تحول با ماست . باید از خود آغاز کنیم یادبگیریم که چشمانمان را به روی واقعیات اعجاب انگیز و عمیق و تازه نبندیم . کانون فرهنگیان استان اصفهان در این راستا اقداماتی را انجام داده و اهدافی را دنبال می کند که امید دارد با مشارکت شما عزیزان ثمرات و نتایج آن را در آینده ای نه چندان دور شاهد باشیم اقدامات انجام شده عبارتند از :

× پیگیری های موجدانه در جهت صدور پروانه فعالیت که این مهم در تاریخ ۸۱/۳/۲۰ صادر و ابلاغ گردید .
× رایزنیهای متعدد با مسئولین استان و نمایندگان مجلس در جهت احقاق حقوق فرهنگیان .
× راه اندازی شعب و دفاتر کانون فرهنگیان استان و نظارت بر انجام انتخابات آنان .
× شرکت در همایش های کشوری تشکل های صنفی فرهنگیان ایران به منظور تأثیر گذاری در تصمیمات سرنوشت ساز .
× برگذاری همایش سراسری تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در اصفهان
× صدور ابلاغ تعدادی از هیئت های اجرایی شعب و دفاتر به منظور شروع فعالیت .

کانون فرهنگیان اهدافی را نیز دنبال می کند که اهم آن عبارتند از :

× تلاش در جهت فراهم نمودن امکانات و تسهیلات لازم برای فرهنگیان در همه زمینه های تعریف شده در اساسنامه کانون .
× انعکاس مشکلات و ارائه راهکارهای لازم و پیگیری آن تا حصول نتیجه در همه زمینه های تعریف شده در اساسنامه کانون .
× اعلان موضع و پیگیری لازم در قبال تصمیم گیریهایی که به هر نحو به حقوق حقه ی فرهنگیان ارتباط دارد .

پس بیائید تا برای پیشبرد آنچه که در انتظار آن هستیم بیشتر به هم بپیوندیم با هم یکی شویم و دریائی شویم که با موجهای شکننده قلب سنگین صخره ها را بشکافیم . بیایید مرهمی بر زخمهای دیرینمان باشیم .بیائید عشق بورزیم و تلاش کنشم که "یافتن آب به عشق است نه به سعی ، اما پس از سعی" ، بیائید تا به یاری یکدیگر شروعی دوباره داشته باشیم و فکرهای بکرمان را از هم دریغ نکنیم تا " فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازه ایم "

برای تحقق این مهم منتظر پیشنهادهای ارزنده شما هستیم . " به بخت اگر باور داشته باشیم هم امروز یا هم امشب آرامش فرا می رسد تورا و مرا از این دم اگر لذت بریم زندگی مان در دست های ماست و ما تنها بار مسئولیتمان را به دوش می کشیم به بخت اگر باور داشته باشیم نه فقط امروز و نه فقط امشب آرامش فرا می رسد تو را و مرا "

کانون فرهنگیان استان اصفهان (کفا)

سازمان آگهی های هفته نامه

قلم معلم

تلفن مستقیم:۰۹۱۱۲۰۹۰۲۹۳
تلفن دفتر:۷۶۳۰۴۲۴

مصاحبه اختصاصی قلم معلم با آقای غندالی معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش

س: در رابطه با نظام هماهنگ پرداخت معلمان چه کارهایی صورت گرفته است؟

ج: کارهایی که تاکنون انجام گرفته است یکی بحث معوقه‌های فرهنگیان است که رایزنی‌هایش انجام گرفته است کاری که ما باید انجام می‌دادیم این بود که این معوقه‌ها را در دولت مطرح کنیم و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منابع مربوط به آن را تامین نماید. ما حدود یک ماه و نیم قبل وقت ویژه‌ای را از دولت گرفتیم و چند تا مطلب را در آنجا بررسی و تعقیب کردیم.

اولا مطرح کردیم که بنیان بودجه آموزش و پرورش بنیان ضعیفی است و کلا بعد از انقلاب بودجه آموزش و پرورش ضعیف بوده است که لازم بود اصلاح شود ما اولین خواسته‌ای که داشتیم این بود که شما یک سال بودجه آموزش و پرورش را برمبنای آنچه که اتفاق می‌افتد ببندید و خوشبختانه دولت این را پذیرفت که بودجه آموزش و پرورش را در سال ۸۳ برمبنای عملکرد ۸۲ تنظیم نماید با این استدلال که کسری بودجه سال ۸۲ تامین شود و معوقات فرهنگیان هم پرداخت شود و این مصوبه الان ابلاغ شده است این قدم اول بود که من معتقدم این بزرگترین توفیق آموزش و پرورش در بعد از انقلاب می‌باشد ما ۸۹۰ میلیارد تومان کسری بودجه ۸۲ م معوقه‌ها را اعلام کردیم البته آقای ستاری‌فر معتقد است که باید کار کارشناسی انجام شود تا به امروز جلساتی که بنا بود تشکیل شود آقای ستاری‌فر بخاطر کسالتی که داشتند نتوانستند شرکت کنند لذا جلسات تشکیل نشد البته کارشناسان سازمان مدیریت با یک مقدار اختلاف رقم ما را قبول دارند و قرار شده است که آقای حاجی در ۱۵ آبان این مطلب را در هیئت دولت مطرح نماید من پیشنهاد داده‌ام که معوقه‌های فرهنگیان به صورت اوراق قرضه، به آنها داده شود و بابت تاخیری که در پرداخت این معوقه‌های صورت گرفته به معلمان بهره پرداخت شود تا به این وسیله خسارتهایی که به معلمان وارد شده جبران شود.

کار دوم تغییر در نظام حقوقی معلمان است که متاسفانه تا این نکته را مطرح می‌کنیم تصور می‌شود که قرار است حقوق معلمان اضافه شود و موضع گیریها شروع می‌شود من اعلام کرده‌ام که این به معنای افزایش حقوق معلمان نیست بلکه هدف تفاوت گذاشتن بین معلمان با رتبه‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلف است. مثلا اگر معلمی تالیفی داشت، کتابی چاپ کرد، کار ویژه‌ای انجام داد و تلاش خاصی نمود انگیزه پیدا کند و بین آنکه کار بهتری انجام می‌دهد با آنکه هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کند فرق گذاشته شود. الان بین معلمی که صاحب دانش است و آنکه سواد ندارد هیچ تفاوتی وجود ندارد. لذا هدف ما این است که این بخش را اصلاح کنیم من اسم این را افزایش حقوق نمی‌گذارم بلکه آن را ضابطه‌مند کردن و قانونمند کردن و هدفدار کردن پرداختها می‌دانم.

س: این تفاوت از کجا تامین می‌شود یعنی اگر کف حقوق معلمان را همین حقوق فعلی فرض کنیم کسانی که بهتر کار می‌کنند مابه‌التفاوت کارشان از کجا تامین می‌شود؟

ج: این تفاوت به تدریج پرداخت می‌شود.

س: البته کسانی که بالقوه دارای امتیازاتی هستند توقع دارند که این تفاوت را فورا دریافت نمایند.

ج: بحث من این است اصل این قضیه پذیرفته شود که خوشبختانه دولت این را پذیرفته است و مدون شده است و قرار است در ۱۵ آبان توسط آقای حاجی به هیئت دولت تقدیم شود اگر این تصویب شود درحقیقت معلمان براثر تلاش خود در سیستم از مزایای بیشتری برخوردار خواهند شد منتهی چون تدریجی است یک دفعه به دولت فشار نمی‌آورد براساس این طرح یک افزایش نسبی برای همه خواهیم داشت و در عوض آنهایی که امتیازات ذکرشده را دارا باشند از افزایش قابل توجهی برخوردار خواهند شد.

س: این تقسیم بندی بر مبنای مقطع است؟

ج: خیر، هر مقطعی این رتبه بندی را دارد و فقط مدرک است که این تفاوت را ایجاد می‌کند وگرنه تفاوتی بین تلاش معملی که در ابتدایی است با آنکه در مقطع دیگر است قائل نشدیم.

س: سنوات تا چه حد موثر است؟

ج: ما فعلا روی این مطلب بحث می‌کنیم که بعنوان حداقل افزایش چه رقمی را پیشنهاد کنیم که هم برای فرهنگیان قابل قبول باشد و هم برای دولت.

س: چه زمانی را پیش‌بینی می‌کنید تا این طرح جنبه عملیاتی پیدا کند؟

ج: دولت تصویب کرده است که این طرح در بودجه سال ۸۳ لحاظ شود این مصوبه دولت است.

س: آیا این طرح نیاز به تصویب مجلس هم دارد؟

ج: خیر، چون بنیان حقوق بهم نمی‌ریزد و فقط مزایا تغییر می‌کند در واقع ما یک راه میانبر را انتخاب کردیم وگرنه نیاز به زمان فراوانی داشتیم که عمر مجلس ششم کفاف نمی‌داد. لذا در مزایایی همچون فوق‌العاده جذب و فوقاالعاده شغل و از این قبیل تغییراتی ایجاد کردیم. مثلا پیش بینی شده است که حق عائله‌مندی را افزایش دهیم.

س: مدرک و سابقه چه تاثیری در افزایش حقوق خواهد داشت؟

ج: همانطور که گفتم برای سابقه یک افزایش معمولی قائل شدیم و بیشترین امتیازات را به مدرک تحصیلی و مقالاتی داده‌ایم که معلمان در نشریات معتبر و تاییدشده ارائه می‌دهند همچنین روشهای ابداعی و نوع تدریس تاثیر زیادی در افزایش مزایا خواهدداشت.

س: آیا این افزایش مربوط به کادر آموزشی است یا شامل همه فرهنگیان می‌شود؟

ج: صرفا مربوط به کادر آموزشی اعم از دبیر، آموزگار، مدیر و معاون می‌باشد.

س: آیا امتیازات را مدیر مدرسه می‌دهد؟

ج: نه، ممیزی که در ادارات مستقر هستند این کار را انجام می‌دهند. نکته دیگر اینکه ما داریم سعی می‌کنیم که بجای افزایش حقوق که آثار تورمی دارد طرحهایی تهیه کنیم که در کاهش هزینه معلمان تاثیر دارد مانند هزینه درمان، هزینه مسکن و... به نظر من جمعیت زیاد معلمان که همیشه بعنوان یک تهدید به آنها نگاه می‌کردند می‌تواند یک فرصت باشد به طور مثال وقتی که بحث بیمه مطرح می‌شود جمعیت زیاد معلمان خیلی‌ها را به رقابت وامی‌دارد تا در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنند و یا بانکها تقاضاهایی داده‌اند که اگر شما موجودی خود را در حساب بانکی ما واریز نمایید ما تسهیلات مناسبی را در اختیار شما قرار می‌دهیم. ازقبیل وام مسکن، وام ضروری و... یعنی این جمعیت زیاد حسن زیادی هم دارد امیدواریم که تشکل‌های صنفی نیز در این زمینه به ما کمک کنند تا به نتایج بهتری برسیم.

س: در صحبتی که با یکی از مسئولان سازمان مدیریت و نامه‌ریزی داشتم وی مدعی بود که طرح نظام جدید هماهنگ پرداخت به این زودی‌های قابل تنظیم و تصویب نیست نظر شما در این باره چیست؟

ج: تصمیم گیرنده در این باره دولت است و افرادی که حتی در لایه‌های میانی مدیریت این سازمان هستند نمی‌توانند در این زمینه صاحبنظر باشند.

س: به نظر شما این مهلت دوماهه‌ای که ریاست جمهوری به سازمان مدیریت داده‌اند و الان زمانش هم گذشته است و خود سازمان مدیریت و آقای حاجی و حضرت عالی بارها گفته‌اید که تا ۱۵ آبان در این رابطه تصمیم گیری خواهد شد با طرح مذکور چه رابطه‌ای دارد؟

ج: آن مورد دوماهه مربوط به مطالبات معوقه بوده است.

س: پس بحث رفع تبعیض که در مصاحبه آقای حاجی با روزنامه اطلاعات به آن اشاره شده است؟

ج: رفع تبعیض در نظام هماهنگ پرداخت است یعنی همین نظام حقوقی کارکنان آموزشی است.

س: یعنی برمبنای این به گفته آقای وزیر فاصله حقوقی بین فرهنگیان و سایر کارکنان دولت از بین خواهد رفت؟

ج: بله، ما می‌خواهیم یک نظام حقوقی مانند نظام حقوقی دانشگاه داشته باشیم.

س: یعنی در بودجه ۸۳ ما شاهد یک افزایش اعتبار در بودجه آموزش و پرورش خواهیم بود؟

ج: بله، اگر آن مصوبه محقق شود ما شاهد یک افزایش ششصد یا هفتصد میلیاردی در بودجه آموزش و پرورش خواهیم بود.

س: می‌توانم بپرسم که براساس این طرح حداقل چه مقدار به حقوق معلمان اضافه خواهدشد؟

ج: خیر، حساسیت ایجاد می‌کند.

س: فشاری را که هم اکنون تشکل‌های صنفی متوجه سازمان مدیریت کرده‌اند چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا واقعا در باور مسئولان سازمان مدیریت این نکته وجود دارد که معلمان به نسبت ساعت کاری و تعطیلاتی که دارند حقوق مناسبی می‌گیرند؟

ج: ما باید به همه جامعه بفهمانیم که این دید غلط است مسئولان سازمان مدیریت هم از این نکته مستثنی نیستند ما باید به یک فهم مشترک برسیم. فعالیت تشکل‌ها باعث می‌شود که آنها متوجه شوند این فقط خواست ما نیست و بدنه همین را می‌خواهد. خیلی‌ها نمی‌دانند که یک معلم برای یک ساعت کار کلاسی به چند ساعت مطالعه نیاز دارد و روزی چند ساعت هزینه رفت و آمد پرداخت می‌کند. کمتر کسی می‌داند که کار معلمی چقدر سخت است و معلم چقدر باید کار کند تا بتواند اطلاعات خود را به روز کند و پاسخگوی دانش آموزان باشد.

س: شما یکی از اعضای هیئت مدیره صندوق ذخیره فرهنگیان هستید به تازگی سهمیه‌هایی برای فروش اقساطی خودرو در مناطق و استان‌ها در نظر گرفته شده است مثلا در شهر تهران برای هر منطقه یک خودروی پیکان و یک خودروی پژو آردی و یک خودروی پراید به قید قرعه به افرادی که عضو صندوق هستند واگذار می‌شود و بابت این واگذاری ۲۸ درصد سود از عضو دریافت می‌گردد. اولا باتوجه به اینکه صندوق با سرمایه اعضا اداره می‌شود چرا این سود دریافت می‌شود در ثانی چرا محدودیت وجود دارد در حالی که ما شاهدیم در بسیاری از وزارتخانه‌ها بدون هیچ گونه محدودیتی و با همین شرایط به کارمندان خودرو واگذار می‌گردد.

ج: صندوق مانند یک بانک است که کار می‌کند و کسی از بانک نمی‌پرسد که این پول را در چه راهی خرج کرده‌ای و سودش را از کجا آورده‌ای. سیستم صندوق هم همین طور است دررابطه با خودروهای واگذاری ما معتقدیم که بین دو تا سه درصد ارزانتر از بازار به همکاران واگذار می‌کنیم. و به دلیل اعتمادی که از بابت بازپرداخت اقساط داریم سند را فورا به نام خریدار می‌زنیم در رابطه با محدودیت واگذاری هم دلیل این است که تولیدات ایران خودرو آنقدر زیاد نیست که ما بدون قید وشرط به همه همکارانی که داوطلب هستند خودرو واگذار کنیم. در رابطه به رقم سود هم برنامه ما این است که این رقم را به ۲۴ درصد کاهش دهیم.

س: رقم پیش پرداخت را شما تعیین کرده‌اید یا شرکت لیزینگ؟

ج: مبلغ سه میلیون و پانصد هزار تومان پیش پرداخت رقمی است که خود شرکت لیزینگ درخواست نموده است.

س: آیا برای اصلاح اساسنامه صندوق کاری انجام گرفته است؟

ج: بحثهایی از قبل بوده ولی هنوز در دستور کار هیئت امنا قرار نگرفته است.

س: تجمع معلمان را در روز ۱۳ مهر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: یک جامعه رو به رشد نیازمند وجود تشکل‌های صنفی است زیرا اگر در مدیریت نگاه نقادانه وجود نداشته باشد اصلاحی صورت نمی‌پذیرد. لذا اگر تشکل‌ها در این زمینه گام بردارند قطعا موثر هستند در سالهای قبل تشکل‌ها هنوز شکل درستی نگرفته بودند و حرکتها به خوبی هدایت نمی‌شد اما امسال خصوصا در دو حرمت ۱۳ اردیبهشت و ۱۳ مهر کارهای خوبی صورت گرفت و تشکل‌ها پخته‌تر عمل کردند. به نظر من اگر همین روند رشد جریان داشته باشد و دولت هم آنها را بعنوان یک واقعیت که می‌تواند همراه دولت باشد ببیند ما نتایج خوبی خواهیم گرفت. به نظر من حرکت ۱۳ تشکل‌ها بسیار منطقی بود و من شخصا از حرکت تشکل‌ها بخصوص در ۱۳ مهر راضی هستم.

با تشکر

گزارشی از اعتراضات صنفی معلمان از ۸۰/۱۰/۲۵ تا ۸۲/۸/۱۳

سه شنبه ۸۰/۱۰/۲۵

عده زیادی از معلمان به دعوت سازمان معلمان تهران در محل تربیت معلم شهید باهنر اجتماع نمودند . پس از مدت کوتاهی برای همه حضار آشکار گردید که گردانندگان تجمع به هیچ وجه توان کنترل جمعیت را ندارند و سخنانی که از تریبون رسمی این مراسم ایراد می گردید ، بارها با اعتراض حاضرین مواجه شده و تجمع چندین بار با تنش روبرو گردید . لذا پس از بر هم خوردن نظم مراسم ، تجمع کنندگان در هنگام خروج از این مرکز با سر دادن شعارهایی به سمت وزارت آموزش و پرورش حرکت کردند و پس از مدتی پراکنده شدند تا طبق برنامه ی قبلی در روز جمعه ۸۰/۱۰/۲۸ دوباره دور هم جمع شوند .

برخی شعارهای این تجمعات عبارت بود از :

مسئولین مملکت
علم بهتر است یا ثروت ؟
معلم بپاخیز
برای رفع تبعیض .
صندوق های ذخیره
سودش جیب کی می ره ؟

جمعه ۸۰/۱۰/۲۸

این تجمع پس از گذشت سه روز از تجمع قبلی به دعوت خانه معلمان برگزار گردید ، جمعیت از همان ابتدا تمایل خود را به در دست گرفتن تریبون نشان دادند و بدون اعتنا به گردانندگان تجمع شروع به راهپیمایی نمودند و در بین راه که در نهایت به محل برگزاری نماز جمعه ختم گردید شعارهایی می دادند که برخی از آنها عبارتند از :

معلم شده خسته
تبعیض دیگه بسه
مسئولین مملکت
خجالت خجالت
خود در رفاه و نعمت
ماراکنند نصیحت
۲۳ سال گذشته
عدالت کجا رفته
معلم می میرد
ذلت نمی پذیرد

در انتهای این تجمع شعاری داده شد که طی آن فرهنگیان را به تجمع ساعت ۸ صبح در مقابل مجلس دعوت می کرد .

سه شنبه ۸۰/۱۱/۲

از ابتدای صبح جمعیت زیادی مقابل مجلس شورای اسلامی جمع شدند . این جمع به طور مداوم از ریاست مجلس می خواستند که در جمع آنان حاضر شود و پس از اینکه از آمدن آقای کروبی ناامید شدند ، با سر دادن شعارهایی به سمت میدان انقلاب حرکت کردند ، جمعیت هر لحظه زیادتر می شد و نیروی انتظامی هنوز وارد صحنه نشده بود . در میدان انقلاب برخی افسران نیروی انتظامی با متانت و ادب از فرهنگیان شرکت کننده در تظاهرات خواستند که متفرق شوند و فرهنگیان نیز به این خواسته آنان پاسخ مثبت دادند .

شعارهای این تجمع و راهپیمایی عبارت بود از:

بشکند این دست که به تو رأی داده
معلم در خروشه ، مجلس چرا خاموشه ؟
مسئولین مملکت ، علم بهتر است یا ثروت ؟
نماینده فیشت کو ، ماشین خوشگلت کو ؟

و بازدر پایان این تجمع روز دیگری به عنوان روز تجمع معلمان اعلام شد و جمعیت شعار می دادند : شنبه ریاست جمهوری .

شنبه ۸۰/۱۱/۶

بعد از تجمع معلمان در مقابل مجلس ، به دستور ریاست جمهوری هیأت عالی رتبه ای تعیین شد و این هیأت موظف شد با تشکیل جلسات متعدد به طور ریشه ای به رفع مشکلات معلمان پرداخته و تبعیض را که سالها نسبت به معلمان روا داشته می شد بر طرف نماید . پس از تشکیل این هیأت ، بسیاری از معلمان معتقد بودند که می بایست به این هیأت فرصت داده شود تا کارهای خود را انجام دهد و گزارش خود را به فرهنگیان اعلام نماید .

اما با این وجود تعدادی از معلمان در روز شنبه ۸۰/۱۱/۶ در اطراف دفتر ریاست جمهوری جمع شدند و پس از محاصره ، توسط نیروهای ضد شورش نیروهای انتظامی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گفتند ، جمعیت مذکور در حالی که شدیدا زیر ضربات باطوم نیروی نیروی انتظامی قرار داشتند شعار می دادند :

خاتمی خاتمی ، باطوم نبود جوابت .
گفتگوی تمدن ، با باطوم با باطوم .
معلم ، به پاخیز ، کسی به فکر ما نیست .

این تجمع ، آخرین تجمع در سال ۸۰ بود .

جمعه ۲۲ آذر (زیر پل حافظ)

پس از گذشت حدود ۱۰ ماه از آخرین تجمع معلمان که به ضرب و شتم آنان ختم شده بود اطلاعیه ای از سوی خانه ی معلمان منتشر گردید و در این اطلاعیه از تمامی فرهنگیان دعوت گردید تا در تجمع روز ۲۲ آذر در سالن شهید حیدر نیا حاضر شوند . اگر چه بعدا همین تشکل با صدور اطلاعیه ای خواستار لغو این تجمع گردید اما جمعیتی حدود ۲۰۰ نفر با حضور در مقابل سالن شهید حیدر نیا با درهای بسته ی این سالن و اطلاعیه ای که در آن به لغو تجمع تأکید شده بود مواجه شدند . حضور تعداد زیادی از نیروهای انتظامی خبر از درگیری جدیدی می داد و گواهی می داد که نیروهای امنیتی مصمم هستند تا از شکل گیری این تجمع جلوگیری نمایند . پس از مدتی که حاضران به دادن شعار پرداختند ، نیروهای انتظامی بعد از چند بار تذکر ، با محاصره کامل تجمع کنندگان شروع به سرکوب آنان کرد و بعد از ساعتی جز تعدادی چادر و روسری و لنگه کفش که در کف خیابان ریخته بود چیزی مشاهده نمی شد . در این تجمع برای اولین‌بار این شعار داده شد که :

معلم زندانی آزاد باید گردد

شنبه ۸۲/۲/۱۳

تشکل های صنفی فرهنگیان به تدریج به این نتیجه رسیدند که جز با اتحاد نمی توانند ، از حقوق

فرهنگیان دفاع نموده و آنان را سازماندهی نمایند . لذا پس از برگزاری چند نشست مشترک سرانجام در چهارمین همایش خود که در شهر تهران و به دعوت کانون صنفی معلمان ایران برگزار گردید قطعنامه ای صادر کردند و در آن به مسئولان کشور هشدار دادند که چنانکه تا تاریخ ۸۲/۲/۱۳ برای رفع مشکلات فرهنگیان اقدامی بنیادی و جدی ننمایند برای این روز تصمیم مهمی اتخاد خواهند نمود .

پس از این نشست که به تشکیل کمیته دوم پیگیری مطالبات انجامید از آنجائیکه تا تاریخ مذکور حرکت وتصمیم مورد قبول از سوی مسئولان مشاهده نگردید تشکل های صنفی فرهنگیان با صدور قطعنامه ای از فرهنگیان سراسر کشور خواستند که در روز ۱۳ اردیبهشت با حضور در مقابل ادارات و نواحی آموزش و پرورش و در سکوت کامل اعتراض خود را نسبت به کم کاریهایی که صورت گرفته اعلام نمایند .

این مراسم از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۱۳ اردیبهشت آغاز شده و در سراسر کشور ، راُس ساعت ۱۲ پایان یافت . شاید این اولین بار بود که معلمان حاضر در تجمع ، به خواسته ی تشکل های دعوت کننده گوش فرا دادند و از آنچه که تشکل ها خواسته بودند فراتر نرفتند . خواست تشکل های صنفی حضور همراه با سکوت بود و خوشبختانه این حرکت بدون کوچکترین تنش به پایان رسید . در این همایش تجمع کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود : امروز سکوت ما بلندترین فریاد است .

شنبه ۱۳ مهر(روز جهانی معلم)

پس از صدور بیانیه همایش همدان که در تاریخ های ۲۷ و ۲۸ شهریور ۸۲ برگزار گردید و تجمع روزهای ۱۳ و ۱۴ مهر به تصویب نمایندگان استانها رسید احضارها و تهدیدها برای لغو تصمیم مذکور آغاز شد . و تک تک فعالان تشکل های عضو همایش توسط نیروهای قضایی و امنیتی احضار شدند اما اتحاد و همدلی تشکل ها از یک سو و اعتماد به راهی که انتخاب کرده بودند از دیگر سو موجب شد که همه به غیر قابل تغییر بودن تصمیمات اتخاذ شده پی ببرند .

لذا مراسم ۱۳ مهر با وجود همه فشارها در اکثر استانها با شکوه و اقتدار تمام برگزار گردید بطوریکه طبق گزارشهای رسیده ده ها هزار نفر در استانهای مختلف کشور با حضور در این همایش عزم قاطع خود را برای پیگیری مطالبات به نمایش گذاشتند .

برخی از شعارهایی که در این تجمعات داده شد عبارتند از :

حکومت عدل علی
این همه بی عدالتی
نه کافریم نه دشمن
معلمیم معلم
تا حق خود نگیریم
آرام نمی نشینیم
معلمان کشور
اتحاد اتحاد
وحدت و همبستگی
شعار هر فرهنگی
احقاق حق مظلوم
وظیفه دولت است

در پایان این همایش قطعنامه ای در هفت بند صادر شد و در نهایت اعلام گردید که چنانچه تا ۱۵ آبان ۸۲ پاسخ مناسبی به خواسته های مطرح شده داده نشود نمایندگان معلمان در تشکل های صنفی در روز ۱۷ آبان با حضور و تحصن در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی به پیگیری مطالبات فرهنگیان خواهند پرداخت .